

---

## Recognition and Conceptualization of the Expression of Contentment Culture in *Guilan* Rural Society and Architecture (Case study: Mir Sayyar Shekili House)

---

Erfan Khasm Afkan Nezam<sup>1</sup>, Mansoreh Tahbaz<sup>2</sup>

<sup>1</sup> PhD Condidate of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Iran

<sup>2</sup> Associated Professore, School of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

In the Quranic vision and in the school of religious leaders, "contentment" is a valuable moral blessing that leads to wealth and self-sufficiency, because the behavior of the contented man is such that he bases his life on "moderation". Therefore, explaining and addressing "contentment architecture" as one of the "self-made pillars of Iranian society" which has been explained in the context of targeting Islamic civilization in the second step statement of the revolution, is important and valuable. The research questions are as follows: a) what are the basic components of persuasive lifestyle in Guilan province and what are its manifestations in different areas of life? b) How and in what way is the culture of contentment manifested in the vernacular architecture of Guilan? the study's conceptual achievement is to explain: "how the culture of contentment manifests in the patterns of behavior and architecture of Guilan"; based on reviewing the background of studies conducted by Iranian scholars and researchers in the field of content research in architecture, the innovation of the research is in the "case study" which is based on the research background (which most studies in the field of contentment and moral characteristics were studied about the house of desert areas). For the first time, "home architecture" is studied in the vintage and rich natural areas of Guilan province in terms of "contentment and its characteristics". the theoretical foundations section is divided into two parts: "conceptualizing the manifestation of the culture of contentment in the rural community of Guilan" and "recognition of the

manifestation of the culture of contentment in the rural architecture of Guilan"; in the first part, the culture of contentment in rural society and its manifestation fields were studied by comparative study with concepts and dimensions of contentment, and in the second part, in particular, the culture of contentment in the field of indigenous architecture of Guilan was examined. We adapted the study (Mir Syyar Shekili house) to the indicators of contentment in architecture. Studies show that the relationship of "contentment", "architecture and rural lifestyle" can be considered as a relationship based on "secrecy of nature" that in this spatial-physical pattern, children learn the first grounds of contentment through family and "child-mother" system. The culture of contentment in the field of rural architecture of Guilan in the social dimension is as "social equality between men and women (derived from rural collective work culture)" and in economic dimension as "the workshop of the ontology of the building of the house through the participation of all members of the family", which is a common manifestation of "being" and "presence" of the family institution in the context of the rural architecture of Guilan. In the scientific-technical dimension it is manifested in the form of "the mysteries of nature and its structures" and in the artistic dimension as "the use of symbols and symbols of ethnic-religious identity in the body of the building".

**Keywords:** life style, contentment, indices of contentmet architecture, rural house of Guilan.

---

\* Corresponding author. E-mail: St\_e\_khasmafkan@azad.ac.ir



## بازشناسی و مفهومیابی تجلی فرهنگ قناعت در جامعه و معماری روستایی گیلان (نمونه مورد پژوهش: خانه شکلی میرسیار)

عرفان خصم افکن نظام<sup>۱\*</sup>، منصوره طاهباز<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دکتری معماری، گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۶/۲۶، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۱/۳۰)

### چکیده

در بینش قرآنی، «قناعت» فضیلت اخلاقی ارزشمندی است که موجب توانگری و خودبستگی می‌گردد؛ از این رو، دستاورد مطالعاتی - مفهومی مقاله، تبیین چگونگی تجلی فرهنگ قناعت در الگوهای رفتاری و معماری گیلان می‌باشد. بر این مبنا، سؤالات تحقیق بدین صورت می‌باشد: مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی قانعانه در استان گیلان از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و تجلیات آن در عرصه‌های مختلف زندگی به چه صورت می‌باشد؟ و چگونه فرهنگ قناعت در معماری بومی گیلان متجلی می‌گردد؟ بر اساس مرور پیشینه‌ی مطالعات در حوزه‌ی قناعت‌پژوهی در معماری، در فرآیند پژوهش، تمرکز ما حرکت از کلیات به منظور رسیدن به جزئیات «فرهنگ قناعت در گیلان» می‌باشد؛ بدین معنی که ما از «فرهنگ و تجزیه آن به عناصر سازنده‌ی فرهنگ (مانند زبان، سبک-زندگی، موسیقی، شعر و غیره)» شروع به شناخت کردیم، در بخش دوم به «ابعاد فرهنگ قناعت» در معماری روستایی گیلان پرداختیم و در بخش پایانی، برای رسیدن به مصداق‌های اثرگذاری این فرهنگ در فضای ساخته شده‌ی معماری، به تحلیل خانه‌ی شکلی میرسیار براساس «شاخص‌های قناعت در معماری» پرداخته شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد فرهنگ قناعت در ساحت معماری روستایی گیلان در بُعد اجتماعی به صورت «برابری اجتماعی بین زن و مرد (برگرفته از فرهنگ کار جمعی روستایی)» و در بُعد اقتصادی به صورت «کارگاه شناخت‌شناسی هستی ساخت خانه از طریق مشارکت همه اعضای خانواده» که جلوه‌گاه مشترکی از «بودن» و «حضور» نهاد خانواده در بطن معماری روستایی گیلان می‌باشد. در بُعد علمی - فنی در قالب «رازآموزی از طبیعت و ساختارهای آن» و در بُعد هنری به شکل «استفاده از نماد و نشانه‌های هویت قومی - مذهبی در کالبد بنا» متجلی می‌شود.

### واژگان کلیدی

سبک زندگی، قناعت، شاخص‌های معماری قانعانه، خانه روستایی گیلان.

## مقدمه

می‌گوییم تأثیری است که «فرد بر محیط (چگونه انجام می‌دهند؟)» می‌گذارد. در این بینش، «پیش‌زمینه‌های معرفتی انسان دینی، فرم‌های هنری را به نحوی شکل می‌دهد که ساخت و پرداخت اشیاء برونق طبیعت‌شان باشد (Nowruz Talab 1999)» زیرا «معماری در نقطه‌ای از بستر طبیعت جایگزین می‌شود و در آن ریشه می‌دواند، از آن پند می‌گیرد و با آن پیوند می‌یابد (Zamani 1999)». انسان روستایی نیز به لحاظ ارتباط مستقیم و دائمی که با صنع الهی یعنی طبیعت دارد، از سانی راز آشنا و هنرمند است. طبیعت زنده، پویا و آموزنده است؛ هر انسانی با طبیعت سروکار داشته باشد، در همه ابعاد پرورده می‌شود. در بُعد جسمی، مهارت‌های لازم را برای کار و تولید و سازندگی می‌آموزد؛ در بُعد روحی، صاحب بصیرت می‌شود که ذوق و خرد و اندیشه و هنر را دربردارد. انسان روستایی معماری خود را با آگاهی نسبت به محیط طبیعی، محیط اجتماعی، محیط فرهنگی و با بصیرت نسبت به هستی و طبیعت، طراحی می‌کند و می‌سازد. او از سانی تولیدگر و فعال است و در عین حال یک هنرمند به تمام معنا است (Akrami 2010). «پایین بودن سطح زندگی، نبود تخصص، دور بودن از امکانات شهری، مشکل دسترسی و غیره» از عواملی هستند که اهمیت قناعت و خودبسندگی در این مناطق را آشکار می‌سازد. در این راستا، فرضیه‌ای مبنی بر دو اصل مطرح است (Jalilian & Tahbaz 2002): الف) روستاییان بر اساس «تجربه زندگی و هوایی و امکانات موجود داشته و قادرند «روش زندگی» و «ساخت‌وساز» خود را با آن تطبیق دهند. ب) «امکانات بسیار محدود آنها» از نظر «دسترس‌ی به تجهیزات مکانیکی سرمایه‌ی گرمایشی» و «سوخت موردنیاز»، موجب احداث بناهایی منطبق با «شرایط محیطی» شده که شگردهای به‌کاررفته در آنها می‌تواند جوابگوی خصوصیات محیط و در تقابل با ناسازگاری‌های اقلیمی باشد. از این دیدگاه می‌توان رابطه‌ی «قناعت» و «سبک زندگی روستایی» را رابطه‌ای بر مبنای «رازآموزی از طبیعت» دانست.

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم «سبک زندگی» دو برداشت و مفهوم‌سازی متفاوت به‌عمل آمده است. در فرمول‌بندی نخست - که پیشینه آن به دهه ۱۹۲۰ م. بازمی‌گردد - سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و به‌طور غالب، شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است (Chapin 1935). در فرمول‌بندی دوم، سبک زندگی شکل نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (Bourdieu 1984, Featherstone 1984, Lash & Urry 1987). در این معنا، سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای (هویت) افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روز به‌روز افزایش می‌یابد (Abazari & Chavoshian 2002). سبک زندگی ناظر به دو چیز است: مردم چه انجام می‌دهند؟ و چگونه انجام می‌دهند؟ این دو پرسش، برای عرصه‌های مختلف زندگی (فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی و محیط زیستی و همچنین همه ابعاد گوناگون عبادی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی، حقوقی، بهداشتی، رفاهی، تفریحی، هنری و غیره) کاربرد دارد (Fazeli 2004). از طرفی جامعه روستایی، جامعه‌ای است که جمعیت کمتری نسبت به شهر دارد، دارای زمین‌های گسترده‌ای است و مهمترین فعالیت‌های اقتصادی آن، «تولید مواد غذایی، الیاف و مواد خام» می‌باشد. شهر و روستا دارای تفاوت‌های بسیاری در عرصه اقتصاد و معماری هستند. مهمترین ویژگی روستاها که آنها را از مناطق شهری متمایز می‌سازد، وابستگی شان به طبیعت، آب و خاک است. به‌گونه‌ای که نظام اجتماعی، اقتصادی و کالبدی آنها در ارتباط با این عوامل شکل گرفته و می‌گیرد (Sartipi Pour 2009). هنر معماری روشی برای شرافت روحانی دادن به ماده است که بر دو موضوع استوار می‌باشد: ابتدا «فکر یا معنی» و سپس «صورت یا شکل»؛ بدین صورت که توجه به «جهان بیرون»، «فکری» را در هنرمند تولید می‌کند که از آن به‌عنوان «تأثیر محیط بر فرد (چه انجام می‌دهند؟)» یاد می‌کنیم؛ و سپس هنرمند آن را با «سوابق ذهنی» خود منطبق می‌سازد و با همان «جنبه‌ی فکری خود» تعبیر می‌کند که

که مستقیماً بر معماری تأثیرگذار است. انسجام کالبدی سکونتگاه‌های انسانی و به‌خصوص رو ستاها به تبع انتظام اجتماعی شکل می‌گیرد و در آن ساختار محله، جزء محله و واحد مسکونی از ویژگی‌های ساختاری جامعه تبعیت می‌کنند (Razjoo et al. 2019). به همین خاطر تبیین و پرداختن به «معماری قناعت» به‌عنوان یکی از ارکان «خودساختگی جامعه ایرانی» که در قالب هدف‌گذاری برای تمدن اسلامی در بیانیه گام دوم انقلاب نیز تبیین شده‌است، مهم و ارزشمند است.

در فرآیند این پژوهش (شکل ۱)، تمرکز ما حرکت از کلیات به‌منظور رسیدن به جزئیات «فرهنگ قناعت در گیلان» می‌باشد؛ بدین معنی که ما از فرهنگ و تجزیه آن به عناصر سازنده فرهنگ (مانند زبان، سبک زندگی، موسیقی، شعر و غیره) شروع به شناخت کردیم، در بخش دوم به ابعاد فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان به‌طور عام که مستخرج از تحقیقات پژوهشگران قبلی می‌باشد، پرداخته‌ایم و در بخش سوم و پایانی، برای رسیدن به مصداق‌های اثرگذاری این فرهنگ در فضای ساخته شده‌ی معماری، به تحلیل خانه‌ی شکلی میرسیار براساس شاخص‌های قناعت در معماری (بر مبنای الگوی نظری که در ادامه بیان می‌نمائیم) پرداختیم.

محدوده‌ی پژوهش از نظر بافت اجتماعی و موقعیت مکانی، استان گیلان می‌باشد که خلق و خوی مردمانش متأثر از طبیعت‌اش، صریح و بی‌ریاست. این صراحت نه تنها در گفتار، بلکه در «شیوه زندگی» یک گیلانی نیز دیده می‌شود و معماری بخشی از زندگی است. مردم این سرزمین با رفتار و فرهنگ زندگانی که در طول سالیان رعایت کردند، توانستند تا با حفظ طبیعت موجود و کمترین دخالت در آن، این موهبت الهی را به نسل آینده تحویل دهند؛ اما اتفاق نگران‌کننده‌ای که در دو دهه‌ی گذشته با آن در سرزمین گیلان مواجه هستیم، نشان‌دهنده‌ی دخالت مردم با فرهنگی کاملاً بیگانه با این سرزمین می‌باشد که نتیجه‌ی آن «مصرف‌گرایی»، «تخریب محیط زیست» و «تحمیل فرهنگ غیرخودی» به بستر می‌باشد که بخش قابل توجهی از این امر، ریشه در سبک زندگی عصر حاضر دارد، سبک زندگی‌ای که نوع خاصی از «فرهنگ مصرفی» را عرضه می‌کند. به همین خاطر این نیاز احساس شد که می‌بایست چگونگی تجلی «فرهنگ قناعت» در زندگی و معماری روستایی گیلان در قالب پژوهشی مدون، تحلیل و ارائه گردد تا بدین‌وسیله بتوانیم فرهنگ رفتاری را که موجب شکل‌گیری معماری قناعت در این سرزمین شد را شناسایی نمائیم؛ زیرا رفتارهای اجتماعی و پدیده‌های فرهنگی است



شکل ۱: فرآیند تحقیق

Fig. 1: Research Process

## ۲. سؤال و روش پژوهش

### ۱-۲. سؤال‌های پژوهش

الف) مؤلفه‌های اساسی سبک زندگی قانعانه در استان گیلان، از چه ویژگی‌هایی برخوردار است و تجلیات آن در عرصه‌های مختلف زندگی به چه صورت می‌باشد؟ (ب) معماری بومی چه نقشی در توسعه و ترویج فرهنگ قناعت در استان گیلان ایفا می‌کند؟ (چگونه و از چه طریقی فرهنگ قناعت در معماری بومی استان گیلان متجلی می‌گردد؟) عمده‌ترین سؤالات پژوهش را شکل می‌دهند. دستاورد مطالعاتی - مفهومی مقاله، تبیین چگونگی تجلی فرهنگ قناعت در الگوهای رفتاری و معماری گیلان می‌باشد.

### ۲-۲. الگوی نظری و فرآیند انجام پژوهش

در این پژوهش، از روش مطالعه تطبیقی بهره گرفته شده که به مقایسه و تطبیق وجوه اشتراک و اختلاف دو یا چند حوزه مطالعاتی مورد پژوهش می‌پردازد و در این مسیر، به میزان همپوشانی یا تأثیر و تأثر کالبد از مفاهیم دینی پرداخته می‌شود. پژوهش‌های تطبیقی - مفهومی در رشته معماری، موجب شکل‌گیری و مفهوم‌سازی ایده‌ها در ظرفی از زمان و بستر جغرافیایی می‌شوند. به گفته چپین (Chapin, 1974) در «روش پژوهش مقایسه‌ای»، از طریق «ملاک» و «معیار» و برای «مقایسه» دو یا چند چیز در جهت «ارزش‌یابی» آنها مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این‌رو، توصیه می‌شود این معیار از «مدل‌های حاصل از جهان‌بینی» به دست آمده باشد؛ در غیر این صورت، مقایسه دچار سلیقه فردی خواهد شد (Islami 2014)؛ لذا چارچوب اصلی تحقیق برای بخش تحلیل نمونه مورد پژوهش، بر پایه‌ی نظریات «شاخص‌سازی قناعت در معماری» محمد مهوش و مهدی سعدوندی بنیان نهاده شده است. از دیدگاه مهوش به این مسئله پرداخته می‌شود که چگونه یک ارزش پذیرفته شده در اسلام (مانند قناعت)، قابل‌سنجش در معماری خواهد بود تا بتوان وضعیت موجود آن را ارزیابی، آینده‌ی آن را پیش‌بینی و برای دستیابی به آن برنامه‌ریزی کرد. روش

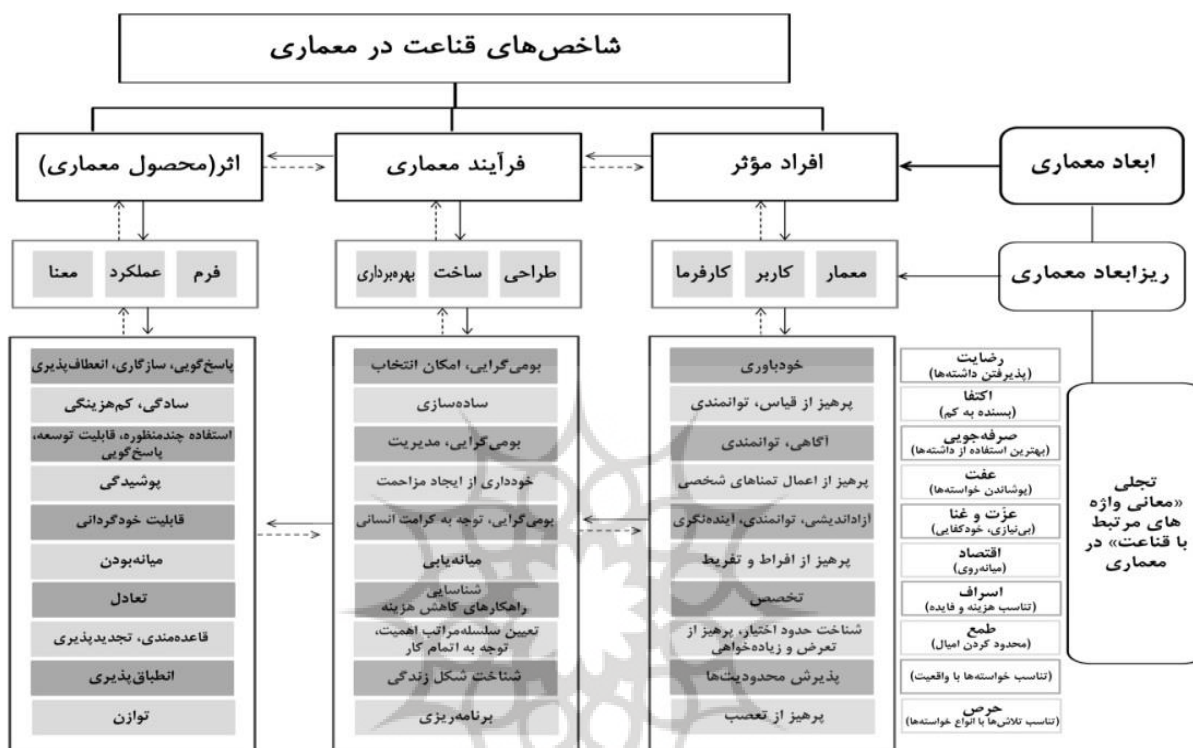
پیشنهادی او، شاخص‌سازی مفاهیم اخلاقی اسلامی می‌باشد بدین صورت که ابتدا تعریف اسمی مفهوم اخلاقی صورت گیرد و تعاریف موردنظر انتخاب گردند؛ سپس ابعاد معماری مشخص گردند، در مرحله‌ی بعد معیارهای معماری براساس مفهوم اسلامی موردنظر شناسایی شوند، سپس معرف‌ها تعیین می‌گردند و درنهایت گویه‌ها تعیین شده و مفاهیم، ابعاد، معیارها، معرف‌ها و گویه‌ها تعیین می‌گردند. شاخص‌های قناعت در معماری، به‌صورت یک دیگرام مفهومی در قالب (شکل ۲) معرفی شده است.

در معیارهایی که به «افراد مؤثر» مرتبط است - از آنجا که مفاهیم اخلاقی عمدتاً صفاتی درونی هستند - شناسایی و تشخیص این صفات در صورت امکان دسترس‌ی به افراد مؤثر از طریق آزمون‌های مرتبط، شدنی ولی بسیار دشوار است و در صورت عدم دسترسی به ایشان امری محال است. لذا باید تأثیر آن صفات و ویژگی‌های آن مفهوم انتزاعی در «افراد مؤثر» را در «اثر» مشاهده نمود. از طرفی، برخی از معیارها در بُعد «فرآیند معماری» بستگی به اقلیم، زمان، مکان ساخت و سایر شرایط دارند لذا معرف‌ها می‌بایست به صورت اصول مطرح شوند تا قابلیت کاربرد در شرایط مختلف را داشته باشند (Mahvash & Saedvandi 2018). به همین خاطر، از «شاخص‌های قناعت در معماری» مهوش و سعدوندی برای بخش تطبیقی پژوهش در حوزه‌ی «اثر (محصول معماری)» استفاده شده است.

با توجه به این‌که قصد و نیت نگارندگان بر این موضوع استوار بود که مسیر مقایسه تطبیقی «اثر (محصول معماری)» در حوزه دانش معماری قرار داشته باشد (و نه دانش‌های میان‌رشته‌ای بیرون از معماری) و فهم معماری مورد تحلیل، با خود معماری از طریق سامانه‌های معماری صورت پذیرد، برای تحلیل نمونه‌ی انتخاب‌شده، به‌منظور ارزیابی «میزان هماهنگی و نظم» در آثار، از چهار سامانه‌ی بنیادی در معماری که از گذشته‌های دور، همواره مطرح بوده است استفاده کردیم که عبارت‌اند از: ۱) سامانه کارکردی، ۲) سامانه سازه‌ای، ۳) سامانه کالبدی، ۴) سامانه انسانی. جزئیات ساختار تحلیل در (شکل ۳) بیان شده است.

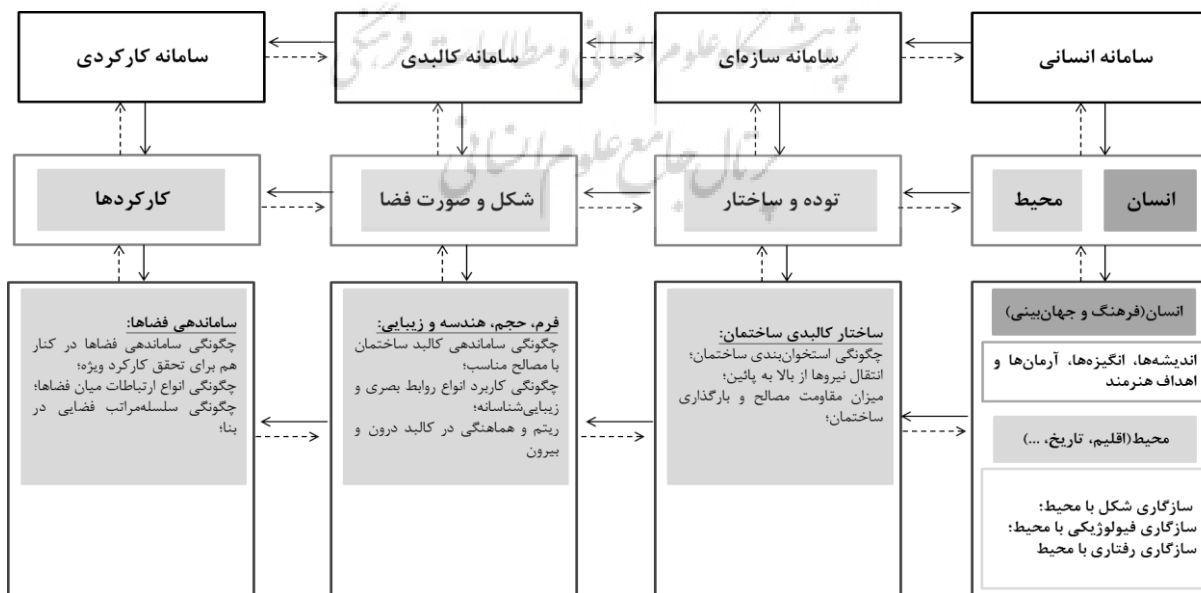
تطبیقی با مفاهیم و ابعاد قناعت قرار می‌گیرد و در بخش دوم، به‌طور ویژه فرهنگ قناعت را در حوزه‌ی معماری بومی گیلان بررسی کردیم و در پایان، نمونه مورد مطالعه (خانه شکیلی میرسیار) را مورد تطبیق با شاخص‌های قناعت در معماری قرار دادیم.

در ادامه‌ی پژوهش، بخش مبانی نظری به دو بخش «مفهوم‌یابی تجلی فرهنگ قناعت در جامعه روستایی گیلان» و «بازشناسی تجلی فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان» تقسیم می‌شود. در بخش اول، فرهنگ قناعت در جامعه روستایی و عرصه‌های تجلی آن، مورد مطالعه‌ی



شکل ۲: شاخص‌های قناعت در معماری از دیدگاه مهوش و سعدوندی

Fig. 2: Contentment Indicators In Architecture From Mr.Mahvash & Saedvandi Point of View



شکل ۳: ساختار تحلیل نمونه براساس سامانه‌های معماری

Fig. 3: Analysis System of "Behavioral-Spatial Patterns" In Architecture

### ۳-۲. پیشینه پژوهش

که نیاز به تحقیق و مطالعه در حوزه «قناعت پژوهی در معماری» در کاربری های متفاوت از خانه و اقلیم های دیگر به غیر از اقلیم گرم و خشک ایران، احساس می شود.

در بررسی و تحلیل مطالعات صورت گرفته در حوزه ی قناعت پژوهی در معماری (جدول ۱)، در بازه زمانی ۱۳۸۱ که تقریباً اولین پایان نامه در این حوزه مورد پژوهش قرار گرفت تا سال ۱۴۰۰ نشان می دهد

جدول ۱: بررسی مطالعات صورت گرفته در حوزه «قناعت پژوهی در معماری» در ایران  
Table 1: Review of studies in the field of "contentment in Architecture" in Iran

ردیف	پژوهش (تاریخ): نویسنده	مشخصات پژوهش
۱	شاخص سازی مفاهیم اخلاقی در معماری؛ مطالعه ی موردی: قناعت (۱۳۹۷)؛ محمد مهوش	الف) روش تحقیق: روش پژوهش ترکیبی (کیفی، کمی و پیمایشی) ب) نتایج: سنجش «معماری قانعانه» از طریق تطابق شاخص های قناعت در معماری مانند تطابق اثر معماری با شکل زندگی کاربران؛ شناخت افراد مؤثر از محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛ احترام به طبیعت در فرآیند معماری؛ شناخت معمار از محیط کالبدی، جغرافیایی و اقلیمی؛ پرهیز از تفاخر اقتصادی در اثر و غیره
	معماری قانعانه (۱۳۸۸)؛ مهدی سعدوندی	الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی (دارای مراحل کدگذاری باز، کدگذاری رشته ای و کدگذاری انتخابی + نظریه ی زمینه ای) ب) نتایج: دستیابی به روش پیاده سازی مفهوم «قناعت (یک مفهوم ذهنی و انتزاعی)» در «معماری (یک موضوع عینی)»
۲	طراحی مسکن اجتماعی با توجه به اصل قناعت و صرفه جویی معماری اسلامی (نمونه موردی: محله آبکوه مشهد) (۱۳۹۹)؛ مجتبی ارغوانی طرقدری	الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: مسئله قناعت و صرفه جویی که یکی از اصول در اسلام هست، سبب شده است که به یک پدیده جهانی نزدیکتر شویم که آن مسئله مسکن اجتماعی است که سال های فراوان یک راهکار مناسب برای ایجاد یک مسکن مناسب و ارزان برای انسان ها شده است. ج) بستر مورد مطالعه: محله آبکوه مشهد
	ارائه الگویی برای کاهش هزینه ساخت مسکن بر مبنای اصل پرهیز از بیهودگی با بازنگری در طراحی معماری- طراحی مجتمع مسکونی ۱۰۰ واحدی در شهر تهران (۱۳۹۶)؛ شقایق امیرشکاری	الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: توجه به ارزش قناعت و تفکر حداقلی در ساخت با حفظ کیفیت و غیره وجود دارند که توجه به آنها در مرحله ی طراحی می تواند باعث کاهش اتلاف مصالح و انرژی و تولید ضایعات در پروسه ی ساخت و در نهایت کاهش هزینه تمام شده ساخت شود. ج) بستر مورد مطالعه: تهران
	طراحی الگوی خانه بر اساس روش های تربیتی دینی (۱۳۹۴)؛ محمدمهدی روحی طواف	الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: «تربیت دینی» چیزی نیست که بتوان تأثیر آن را در آدمی نادیده گرفت. اکثر انسان ها از سنین کودکی با این تربیت روبروی می شوند. حال «خانه» به عنوان «بستر تربیتی انسان» قطعاً با روش های درست تربیت دینی می تواند شکل دیگری از مربی را از خود نشان دهد. خانه ذاکر باید «شاکر» نیز باشد و نماز شکر بخواند، خانه شاکر باید اسراف نکند پس خانه باید «قانع» باشد و «قناعت» کند، به شکرانه این همه نعمت، «خانه شاکر» باید «خادم» نیز باشد؛ «خدمت به خلق خداوند» را به جا آورد.
	قناعت و معماری (نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه) (۱۳۸۱)؛ نسرین سریان	الف) روش تحقیق: روش پژوهش کیفی ب) نتایج: سه بخش عمده: ۱) دفتر اول: بررسی معنای قناعت از جهات مختلف، ۲) دفتر دوم: خانه قناعت مندانه را با توجه به معنای قناعت، در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و غیره مورد بررسی قرار داده و با توجه به نتایج آن اصولی را برای طراحی خانه قناعت مندانه به دست می دهد. ۳) دفتر سوم: به بیان اصول طراحی خانه قناعت مندانه و چگونگی تأثیر آن در طراحی می پردازد. ج) بستر مورد مطالعه: خانه سستی یزد- اقلیم گرم و خشک.

مقاله علمی	<p>تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه‌موردی: خانه مرتاض در یزد) (۱۳۹۸)؛ علی‌اکبر حیدری، عیسی قاسمیان</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش  <b>ب) اهداف:</b> تحلیل نحوه نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی معماری خانه‌های سنتی ایران  <b>ج) نتایج:</b> نتایج نشان داد که مفهوم «قناعت» در معماری خانه‌های سنتی ایران در قالب چهار اصل: «پرهیز از بیهودگی، خودبسندگی، اعتدال‌گرایی، رعایت قاعده لاضرر و لاضرار» نمود می‌یابد.  <b>د) بستر مورد مطالعه:</b> خانه مرتاض یزد- اقلیم گرم‌وخشک.</p>
	<p>معرف‌های قناعت در معماری (در تضاد معنایی قناعت با طمع و حرص) (۱۳۹۸)؛ محمد مهوش، مهدی سعدوندی</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش کیفی (روش معنانشناسی ایزوتسو + پرسشنامه و مصاحبه + روش دلفی)  <b>ب) نتایج:</b> ویژگی‌های «افراد مؤثر (معمار، کاربر و کارفرما)» برای پرهیز از طمع و حرص در معماری «شناخت حدود اختیار، پرهیز از زیاده‌خواهی، پذیرش محدودیت‌ها، پرهیز از تعصب» است. در «فرآیند معماری (طراحی، ساخت و بهره‌برداری)» باید «سلسله‌مراتب اهمیت» تعیین شوند، «شکل زندگی» شناسایی شود و با «برنامه‌ریزی» مناسب، «تناسب اجزاء اثر با شکل زندگی» و نیز اصل «فناپذیری» مدنظر قرار داده شود. در چنین «اثری (در بخش: فرم، عملکرد، معنا)»، چهار ویژگی عمده «قاعده‌مندی، تجدیدپذیری، انطباق‌پذیری، توازن» قابل شناسایی است.</p>
	<p>شاخص‌سازی قناعت در معماری (۱۳۹۷)؛ محمد مهوش، مهدی سعدوندی</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش ترکیبی (روش دلفی + تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) + روش میدانی (پرسشنامه) + غیره)  <b>ب) نتایج:</b> شاخص‌سازی قناعت نشان داد: در میان ابعاد معماری، افراد مؤثر و در میان افراد مؤثر، معمار بیشترین نقش را در دستیابی به معماری قانعانه دارا هستند و پرسش‌های مرتبط با معرف‌های: تطابق اثر معماری با شکل زندگی کاربر؛ کاربرد؛ شناخت افراد مؤثر از محیط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی؛ احترام به طبیعت در فرآیند معماری؛ شناخت معمار از محیط کالبدی، جغرافیایی و اقلیمی و پرهیز از تفاخر اقتصادی در اثر از مهم‌ترین گویه‌ها در تحقق معماری قانعانه هستند.</p>
مقالات کنفرانسی	<p>دیدگاه مسرفانه در طراحی خانه (۱۳۸۸)؛ ناهید صادقی</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش کیفی  <b>ب) اهداف:</b> جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع در ساخت خانه  <b>ج) نتایج:</b> تحلیل دیدگاه مسرفانه طراحی بناهای مسکونی (طراحی فاز ۱ معماری) به‌منظور ارائه رهنمودهایی جهت طراحی یک خانه با دیدی غیرمسرفانه (تهیه برنامه کالبدی دقیق و اعمال دیدگاه غیرمسرفانه در تمام مراحل طراحی).</p>
	<p>قناعت؛ قدر مداخله در بناهای تاریخی معماری اسلامی ایران (۱۳۹۹)؛ سجاد مؤذن</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش کیفی  <b>ب) نتایج:</b> «قناعت در مداخله»، هم از انجماد و انزوای بنا جلوگیری می‌کند و هم سندی تاریخی بنا و اهمیت معرفی سیر گذر تاریخ بر بنا را مخدوش نمی‌کند. در دیدگاه اسلامی، غنای این اصل نه فقط در زندگی روزمره انسان، بلکه در جهان‌بینی و فعل حاصل از آن نیز مؤثر است و در همه علوم که برای چگونگی به‌کارگیری فنون خود، نیازمند علوم انسانی نیز هستند قابلیت تعمیم دارد.</p>
	<p>تجلی قناعت در انرژی‌دوستی معماری سنتی ایران (۱۳۹۹)؛ سیما رضائی‌آشتیانی، جمال‌الدین مهدی‌نژاد</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش کیفی  <b>ب) نتایج:</b> در معماری سنتی ایران توجه به مسائل «زیست‌محیطی» و «انرژی» همواره وجود داشته است. ضروری است تا اصول معماری استفاده شده در دنیای قدیم را بررسی کرده و سپس آنها را توسط پیشرفت‌های فناوری عصر حاضر با دنیای جدید تطبیق داد.  <b>د) بستر مورد مطالعه:</b> گنبد‌های دوجداره (آشنایی با اصول و سازوکارهای گنبد‌ها در رابطه با «انتقال حرارت» و مقایسه آنها از نظر قناعت در انرژی).</p>
<p>فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی در معماری بومی ایران با تأکید بر سازه‌های آبی (۱۳۹۵)؛ زهرا احمدی</p>	<p><b>الف) روش تحقیق:</b> روش پژوهش کیفی  <b>ب) نتایج:</b> یکی از ره‌آورد‌های مدرنیته رواج «مصرف‌گرایی» و «هجرت» ارزش‌هایی نظیر «قناعت» و «صرفه‌جویی» از جوامع انسانی بود. در «سازه‌های آبی» معماری بومی نظیر آب‌انبار، یخچال و قنات، صرفه‌جویی در مصرف موردتوجه خاص بوده است. در سبک زندگی بومی که معماری بومی یکی از ثمرات آن است «الگوی مصرف صحیح» مدنظر بوده است و «قناعت و خودبسندگی» از ارزش‌های متعالی این معماری بوده است.</p>	



براساس مرور پیشینه مطالعات صورت گرفته توسط صاحب‌نظران و محققین ایرانی در حوزه‌ی قناعت‌پژوهی در معماری، به این نتیجه می‌رسیم که تمامی مطالعات صورت گرفته در این حوزه، در انتخاب «بستر و زمینه مورد مطالعه» به بخش‌های مرکزی ایران که دارای اقلیم گرم‌وخشک می‌باشد، پرداخته‌اند. لذا نوآوری تحقیق پیش رو، در «نمونه مورد مطالعه» می‌باشد که براساس پیشینه تحقیق به دست آمده (که اغلب مطالعات در حوزه قناعت و شاخصه‌های اخلاقی در مورد خانه مناطق کویری مورد مطالعه قرار گرفته بود)، برای اولین بار «معماری خانه» در منطقه‌ی پُر نعمت و سرشار از مواهب طبیعی استان گیلان از نظر «قناعت و شاخصه‌های آن» مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### ۳. بدنه پژوهش

#### ۳-۱. مفهوم یابی تجلی فرهنگ قناعت در جامعه روستایی گیلان

۳-۱-۱. «فرهنگ قناعت» در سبک زندگی اسلامی «قناعت» به‌عنوان یک مفهوم عرفانی بر «اكتفا نمودن سالک بر ماحصل رزق و روزی خویش» دلالت دارد. این فضیلت عرفانی معمولاً در برابر «حرص، طمع، اسراف و زیاده‌روی» مطرح می‌شود. باطن و نتیجه‌ی «قناعت‌ورزی»، «رسیدن به استغنا و بی‌نیازی» است (Ebrahimi 2019). در بینش قرآنی و در مکتب پیشوایان دینی، «قناعت» مکرمتی است ارزشمند که موجب توانگری و رستن از مذلت می‌گردد زیرا رفتار انسان قانع به‌گونه‌ای است که اساس زندگی خود را بر «میان‌روی» بنیان می‌نهد و مفهوم سترگ «خودبسندگی» را با دل و جان می‌پذیرد. «قناعت» در فرهنگ اسلام، گوشه‌گیری و خودداری از سعی و عمل نیست بلکه مراد از آن، «وارسته‌زیستن» و «استغنا در برابر مادیات» است و آن کس که زبون طمع و نیازمندی‌ها باشد، به‌آسانی ذلیل می‌گردد (Ebrahimi & Torabi 2016). برای بررسی نقش فرهنگی قناعت در توسعه‌ی خصائص اخلاقی، ضروری است به تعریف «قناعت» و بیان جایگاه آن در سبک زندگی قرآنی و ابعاد آن نیز اشاره مختصری داشته باشیم. واژه‌ی قناعت در

قرآن، تنها در آیه‌ی ۳۶ سوره حج به‌صورت اسم فاعل «القانع» آمده است: «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَا لَكُم مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافَّ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَانَعَ وَالْمَعْتَرَ كَذَلِكَ سَخَّرْنَا لَكُم لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ: و قربانی‌ها را برای شما از مراسم حج قرار دادیم که غذایان نیز هست، نام خدا را در آن حال که به پا ایستاده‌اند بر آنها یاد کنید و چون پهلو به زمین نهادند، از گوشت‌شان بخورید و به قانع و معتر هم به‌عنوان خوراک بدهید. این چنین حیوانات را به خدمت شما گرفتیم، شاید سپاس دارید». علامه محمدحسین طباطبایی درباره کلمه «القانع» در این آیه می‌فرماید: «کلمه‌ی «قانع» به معنای فقیری است که هر چه به او بدهند، قناعت می‌کند، چه سؤال هم بکند یا نکند؛ و «معتر» فقیری است که برای سؤال نزد تو آمده باشد و معنای آیه روشن است (Tabatabaei, 2005)». در قرآن کریم اگرچه یکبار از قناعت با لفظ مشتق «قانع» سخن رانده شده است ولی آیات متعددی را می‌توان یافت که به صورت غیره مستقیم، از سان را دعوت به قناعت کرده است: «دعوت به پرهیز از اسراف، تبذیر و اسراف، تأکید بر حفظ عزت انسان مؤمن، دعوت به حیات طیبه و گفتگو از صفات متقین» از جمله آیاتی است که می‌توان یکی از نقاط مورد تأکید آن را قناعت برشمرد (Shafiean 2016). در بررسی واژه‌ی قناعت در روایات، امام صادق (ع) قناعت را «نشانی از محبت خداوند به بنده‌اش» می‌داند که «فهم بصیرانه دین» را به او اعطا می‌نماید: «چون خداوند، بنده‌ای را دوست بدارد، شوق عبادت در دل او می‌افکند و قناعت را پیشه‌ی او می‌سازد و او را به فهم بصیرانه‌ی دین موفق می‌دارد و به دل او با «یقین» نیرو می‌بخشد. چنین انسانی به «کفاف» بسنده می‌کند و در جامه «عفاف» می‌خرامد (Majlesi, 2007)» و حضرت رسول (ص) می‌فرماید: «آگاه باشید که برای هر کس، روزی است که به‌ناچار به او می‌رسد؛ پس اگر کسی به آن راضی باشد، مایه‌ی برکت او شده و نیازهایش را فرامی‌گیرد و کسی که به آن راضی نباشد، مایه‌ی برکت او نشده و نیازهایش را فرامی‌گیرد (Boroujerdi, 2007)». به قول بزرگی ۱ «سعادت این نیست

است، دو ست داشته باشید یعنی «تخیل»؛ پاداش و جزای چیزها، در همان وجود آن‌هاست». برای فهم کامل و جامع‌تر از واژه‌ی قناعت، به بررسی و تحلیل این واژه در کتاب‌های اخلاق علمای اسلامی در قالب (جدول ۲) می‌پردازیم.

که چیزی را نداری، داشته باشی یعنی یک چیز دیگر، یک جای دیگر؛ بلکه سعادت این است که آن چیزی را که داری، دو ست داشته باشید نه آنچه را که «دو ست داشتنی» است، دو ست داشته باشید؛ آنچه را که «دو ست داشتنی»

جدول ۲: جستجوی مفهوم «قناعت» در کتب اخلاق و عرفان اسلامی

Table 2: Searching for The concept of "Contentment" In The Book's of Islamic Ethics and Mysticism

کتاب (نگارنده)	تعریف
معانی الاخبار (محمد بن علی ابن بابویه) (شیخ صدوق)	صفت قناعت به عنوان هدیه‌ای از ناحیه‌ی خداوند متعال به پیامبر عظیم‌الشان اسلام نام برده شده است، به گونه‌ای که این هدیه به هیچ‌یک از پیامبران گذشته اعطا نشده بود (Ibn Babouyeh 1998).
معراج السعاده (احمد بن محمد نراقی)	ضد صفت حرص، ملکه‌ی قناعت است و آن حالتی است از برای نفس که باعث اکتفا کردن آدمی است به قدر حاجت و ضرورت؛ و زحمت نکشیدن در تحصیل فضول از مال و این از جمله صفات فاضله و اخلاق حسنه است. همه فضائل به آن منوط، بلکه راحت در دنیا و آخرت به آن مربوط است؛ و صفت قناعت، مرکبی است که آدمی را به مقصد می‌رساند و وسیله‌ای است که سعادت ابدی را به جانب آدمی می‌کشاند، زیرا که هر که به قدر ضرورت قناعت نمود و دل را مشغول قدر زائد نکرد، همیشه فارغ‌البال و مطمئن خاطر است و حواس او جمع و تحصیل آخرت بر او سهل و آسان می‌گردد؛ و هر که از این صفت محروم و آلوده‌ی حرص و طمع و طول امل گشت، به دنیا فرو می‌رود و خاطر او پریشان و کار او متفرق می‌گردد (Naraghi 2015).
اخلاق ناصری (محمد بن حسن طوسی)	قناعت آن بود که نفس آسان فراگیرد امور ماکول (خوردنی‌ها) و مشارب (نوشیدنی‌ها) و ملبس (پوشیدنی‌ها) و غیر آن، رضا دهد به آنچه سد خلل کند از هر جنسی که اتفاق بیفتد (Tusi 1999).
احیاء علوم الدین (محمد غزالی)	به مقدار ضرورت از غذا و لباس قناعت کند و از نظر مقدار، به کمتر و از نظر نوع، به پایین‌تر اکتفا نماید و آرزوی او را متوجه همان روز یا همان ماه کند و دلش را مشغول ماه‌های دیگر ننماید (Ghazali, Vol.3, 2014).
ارشاد القلوب (حسن بن محمد دلمی)	قناعت، از جمله صفات فاضله و اخلاق حسنه است و توأم با راحتی است چنان‌که مریوست در تفسیر آیه‌ی شریفه «فَلْيُنْجِئِنَّ حَيَاه طَّيْبَه: زنده می‌گردانیم او را به زندگانی خوش و سعادت» که مراد، قناعت کردن شخص است و قناعت قرار نمی‌گیرد مگر بر دل کسی که خود را از غم دنیا فارغ ساخته باشد و به قناعت خوشنود بودن، مرحله‌ی اول زهد است؛ و حقیقت قناعت آن است که آدمی خود را از تشبیهات دور بدارد و به اندکی از دنیا راضی باشد که حرص بر جمع‌آوری اموال نداشته باشد و مهموم و مغموم نباشد بر آنچه از دست او رفته از اموال (Daylami, Vol.2, 1970).
المقامات العلیه فی موجبات السعاده الأبدیه (شیخ عباس قمی)	و ضد حرص، قناعت است و آن ملکه‌ای است که باعث می‌شود بر اکتفا کردن آدمی به قدر حاجت و ضرورت و زحمت نکشیدن در تحصیل فضول از مال و این صفت از جمله‌ی اخلاق حسنه است و همی فضایل به آن منوط، بلکه راحت دنیا و آخرت به آن مربوط است و قانع، غنی مردم است (Qomi 2019).
تهذیب الأخلاق (ابن مسکویه)	قناعت به نوعی صرف‌نظر کردن از تمام امور نفسانی است. به کسی قانع گویند که به‌روزی خود قانع گردد و به غذای لذیذ یا لباس جمیل و یا منزل عالی، چشم نداشته باشد و انسان خردمند از ابتدا قناعت می‌نماید و در امور معاش به اقتصاد و میانه‌روی رفتار می‌کند (Ibn Maskuyeh 2015).
مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه (عزالدین کاشانی)	قناعت عبارت است از وقوف نفس بر حد قناعت و کفایت و قطع طمع از طلب کثرت و زیادت؛ و هر نفسی که بدین صفت متصف شد و بدین خلق، متخلق گشت، خیر دنیا و آخرت و گنج غنا و فراغت بدو مسلم داشتند و راحت ابدی و عز سرمدی نصیب او گردانیدند (Kashani 2014).
تفسیر نمونه (ناصر مکارم شیرازی)	نتیجه‌ی این عمل صالح مولود ایمان در این جهان (قناعت)، حیات طیبه است یعنی تحقق جامعه‌ای آرمانی (Makarem Shirazi 1995).

در ادبیات فارسی نیز به تأسی از آموزه‌های قرآن کریم، قناعت همواره در مفهوم «اسراف نکردن» و «میان‌روی در مصرف» به کار رفته است و بسیاری از شعرا و نویسندگان ایرانی، آثار ارزشمندی پیرامون «قناعت» خلق کرده‌اند: حافظ در غزل شماره ۱۵۱ می‌فرماید: «چو حافظ در قناعت کوش و ز دنیای دون بگذر / که یک جو منت دو نان، صد من زر، نمی‌ارزد (Hafez Shirazi 2017)» و همچنین سعدی «قناعت کردن به روزی» را لازمه‌ی «طاعت خداوند» دانسته و «توانگری» را از بارزترین ثمرات قناعت در کتاب «بوستان» برمی‌شمارد (Ebrahimi & Torabi 2016): «خدا را ندانست و طاعت نکرد / که بر بخت و روزی قناعت نکرد؛ قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را (Saadi 2005)» و در جای دیگری می‌گوید: «قناعت توانگر کند مرد را / خبر کن حریص جهانگرد را؛ قناعت کن ای نفس بر اندکی / که سلطان و درویش بینی یکی؛ چو سیراب خواهی شدن ز آب جوی / چرا ریزی از بهر برف آبروی (Saadi 2012)». جناب مولانا نیز به تأسی از فرمایش حضرت رسول (ص)، می‌گوید: «گفت پیغمبر قناعت چیست؟ گنج / گنج را تو وانمی‌دانی ز رنج؛ این قناعت نیست جز گنج روان / تو مزین لاف ای غم و رنج روان (Rumi 2009)». از شاعران معاصر نیز، شهریار چنین گفته: «تشنه جوی کریمان نشوی که قناعت همه دریا باشد / مرد را پای قناعت به زمین، سر همت به ثریا باشد (Shahriyar 2015)». به تعبیر بسیاری از مفسران و علمای علم اخلاق اسلامی، زندگی گوارا و «حیات طیبه» در گرو «قناعت و رزی» است. به منظور تبیین رابطه‌ی بین «قناعت» و «سبک زندگی قرآنی»، از حضرت علی (ع) تفسیر آیه‌ی «فلنحیینه حیاتا طیبه» را پرسیدند و ایشان در پاسخ فرمود: «حیات طیبه، قناعت است». قناعت دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، علمی-فنی و هنری است و سبک زندگی قرآنی نیز شیوه‌ی قومی، آئینی، سنتی، فرهنگی معیشت مؤمنین را شامل می‌شود که در آن خداوند قاضی و قانون‌گذار تمامی

مسائل است. رابطه قناعت و سبک زندگی از دو دیدگاه قابل بررسی و حائز اهمیت است: اول این‌که قناعت را صفتی بدانیم که مانند دیگر فضیلت‌های اخلاقی، اکتسابی است و به‌طور طبیعی نیازمند تکرار و تمرین است تا به تدریج به صورت یک باور در درون انسان تثبیت و استوار گردد (Naraghi 2015). دوم این‌که قناعت را به‌عنوان مجموعه‌ای از عوامل که در فرآیند زندگی، بر اثر تحمیل شرایط سخت جغرافیایی- اقلیمی شکل گرفته و محصول «بستر زندگی» تلقی می‌شود، بدانیم نه خود «سبک زندگی»؛ تا بدین طریق بتواند آرزوها و خواسته‌هایش را مطابق با واقعیات زندگی اش شکل دهد. در حالت اول، قناعت محصول سبک زندگی تلقی می‌شود که ریشه در سنت‌های یک جامعه دارد و می‌توان آن را «فرهنگ قناعت» مردمان آن جامعه تعبیر نمود؛ در این حالت، قناعت به صورت مجموعه‌ای از استانداردهایی درمی‌آید که رفتاری را شکل می‌دهد که سرچشمه‌ی آنها در حس مشترک مردم است و از طرف کلیه‌ی اعضای جامعه، مناسب و قابل قبول است؛ اما در حالت دوم، قناعت محصول بستر زندگی است که ریشه در شرایط سخت جغرافیایی- اقلیمی تحیل شده به فرد، دارد که می‌توان آن را «زندگی قانعانه» به‌عنوان شیوه‌ای از زندگی تعبیر نمود که در آن فرد به‌منظور تنظیم خواسته‌ها و آرزوها با شرایط محیطی که تحمیل می‌شود، اقدامات اخلاقی فرصت‌ساز و درون‌زا را انجام می‌دهد. بر این اساس قناعت با مفهوم وسیع‌تر، بُعد اخلاقی سبک زندگی اسلامی شناخته می‌شود.

## ۲-۱-۳. تجلی مظاهر قناعت در سبک زندگی روستایی گیلان

در فرهنگ روستایی، هنر در همه‌ی ابعاد زندگی هویدا است. ویژگی‌های هنر از موسیقی، نقاشی گرفته تا رقص و آواز و هنرهای دینی بومی، همگی برگرفته از تنوع طبیعی و گوناگونی فرهنگی است. سادگی و تنوع رنگی، بهره‌گیری از عناصر مادی به‌ویژه خورشید در

معماری و هنر روستایی، بیشترین کاربرد را دارد و وابستگی عمیق به مبانی مذهبی از ویژگی‌های هنر در فرهنگ روستایی است. در سنت‌های گیلانی، روستاییان بر معرفی، اشتهار و بهره‌گیری از قدرت رقابت حذفی (پتلاچ) و نیز مشارکت انتظارمدارانه (در قبال کمک در زمان مناسب، حداقل به همان اندازه کمک دریافت می‌کنند) و با نام و نشان‌گذاری جایگاه ویژه‌ای دارد (Askari Khaneghah et al. 2020). اخلاق معیشت در جامعه روستایی گیلان نیز بر اصولی همچون «عقلانی شدن هزینه و درآمد، انضباط اخلاقی، ارزشمندی کار، افزایش سطح مشارکت و پرهیز از مصرف بی‌رویه» استوار است. در ادامه به تجلیات فرهنگ قناعت در جامعه گیلان در حوزه‌های مختلف پرداخته می‌شود.

### ۱-۲-۱-۳. ضرب‌المثل‌ها

فرهنگ و زبان، رابطه‌ی عمیقی باهم دارند؛ زبان چه به صورت گفتاری و چه نوشتاری و چه تصویری، بهتر از هر عنصر دیگر می‌تواند منش‌ها و فرهنگ‌ها را در خود بازتاباند (Farhadi 2018). گیبز (Gibbs, 1996) می‌گوید: «ضرب‌المثل‌ها، عبارات و جمله‌های آشکار ثابتی هستند که حقایق شناخته شده و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی را بازگو می‌کنند». وی ضرب‌المثل‌ها را از آن جهت جالب می‌داند که مربوط به زبان استعاره‌ی و مجازی هستند. به عقیده‌ی کتز (Katz, 1999)، ضرب‌المثل‌ها فقط عباراتی مرده با ریشه‌ی تاریخی نیستند بلکه طی فرآیندی زنده، فعال و اغلب فراگیر شکل می‌گیرند. آنها از نظر نحوی تغییرپذیرند؛ ممکن است هم‌معنی آنها تولید شود یا در موقعیت‌های جدید، ضرب‌المثل‌های جدید خلق شود (Roshan et al. 2014). از این رو، به تجلی مفهوم قناعت به معنای «تقدیرگرایی و سازگاری نسبت به وضع موجود»، در سبک زندگی مردم گیلان می‌پردازیم. نگرش مثبت به تقدیرگرایی در واقع یعنی اعتقاد به این که هر آنچه شایسته بوده و از ازل مقدر شده است، برای افراد محقق شده و نباید نارضایتی و گله‌ای از وضع موجود

داشت (Azad Armaki et al. 2014). در تقدیرگرایی غالباً موفقیت و شکست افراد به بخت و اقبال نسبت داده می‌شود (Mousavi Bazargan 2007). همین نگرش موجب دنیاگریزی و سازگاری نسبت به وضع موجود در فرد می‌گردد. به گونه‌ای که این باورها در اشعار و ادبیات عامه مردم گیلک نیز بازتاب پیدا کرده است، به عنوان مثال: ۱) «پور اگه نُبون گمه جی بساز، شادی نبون غمه جی بساز: پول اگر نبود با کم بساز، شادی اگر نبود با غم بساز»؛ ۲) «کار خس خودش جور دربیی: کار باید خودش جور در بیاید»؛ ۳) «هر چی آسمونه بواره، وه زمین طاقت میاره: هر چه از آسمان ببارد، باید زمین طاقت بیاورد»؛ ۴) «خواب دُبو سر بالش نخای، وشنا شکم قاتوک: کسی که خواب در سرش است، بالش نمی‌خواهد و کسی که شکمش گرسنه است، خورشت نمی‌خواهد»؛ ۵) «ای اقبال، ای اقبال، تو پیش دری مو دومبال، تو کم زنی مو غربال: ای بخت، ای بخت، تو پیش هستی و من به دنبال تو، غربال سوراخ درشت می‌زنی و من الک ریز(شکوه از این که گلیم بخت من سیاه است)»؛ ۶) «تا داریم هام زنی، نداریم تام: تا خوردنی داریم، حمله می‌کنیم و می‌خوریم؛ نداشته باشیم، دم فرو می‌بندیم» (Nazari Moghaddam 2022). مرور ضرب‌المثل‌های قبل، نشان می‌دهد «زبان» در فرهنگ روستایی گیلان به‌طور کلی به هویت‌های قومی ساکنان آنها مربوط می‌شود و ریشه‌ی سنت‌ها در گیلان با دوام و استمرار آنها متکی بر رعایت جنبه‌های مذهبی آن است و ماندگاری آنها نیز از همین اصل پیروی می‌کند و متناسب با سنت‌ها، اخلاق توسعه‌ای خاص را طلب می‌کند (Askari Khaneghah et al. 2020).

### ۲-۱-۲-۳. شعر و موسیقی محلی

حوزه‌ی بعدی را که مورد کندوکاو قرار می‌دهیم، تجلی مفهوم قناعت در شعر و موسیقی گیلان است. یکی از ویژگی‌های بارز شعر روستایی، بیان مکنونات قلبی با سادگی تمام و آن پاک‌دلی روستایی است که آنچه را که

می‌اندیشد، بدون پرده‌پوشی و توجه به عواقب آن، بیان می‌کنند. در شعر گیلک نیز گاهی کنایه‌های لطیف و زیبا وجود دارد که بعضی از آنها، خاص شعر گیل است: «گل مخمل نزن پا به دریا/ نخور غصه برای مال دنیا؛ نخور غصه که مردم مال دارن/ چراغ کس نسوته تا به فردا»؛ شاهد در مصرع چهارم و کنایه از این که هیچ‌کس پایدار نیست. در ساختار معنوی دوبیتی نکات بدیعی وجود دارد که توجه به آنها دارای اهمیت است: مصرع اول دوبیتی روستایی از نظر موضوع ربط چندانی به مصرع‌های دیگر ندارد و برای مقدمه‌چینی قرینه‌سازی آورده می‌شود و در مصرع دوم مقصود اصلی بیان می‌شود. در مصرع سوم همان مضمون برای تأکید تکرار می‌شود و جان کلام و حاصل پیام، در مصرع چهارم است. دوبیتی‌ها و ترانه‌های روستایی پیوند تنگاتنگی با موسیقی دارند به طوری که راوی بدون زمزمه نمی‌تواند آن را به یاد آورد. در اصل، این ترانه‌ها بر اثر زمزمه‌ی کشاورزان، چوپانان، صیادان در دشت و کوه و صحرا و کنار رودها و دریاها شکل گرفته‌اند؛ یعنی این عزیزان پاکدل، هنگام کار و کوشش هرگاه احساسات و هواطف روستایی آنها به غلیان می‌آمد، زیر لب با موسیقی لطیف خاص خود زمزمه‌هایی می‌کردند که سبب پیدایش این دوبیتی‌ها شد. باقی ماندن این دوبیتی‌ها و نقل سینه به سینه آن، دلیل دیگر ربط آن با موسیقی است زیرا در محیط کار یا خانه، در گوش دیگران زمزمه می‌شده و با تکرار آن در ذهن آنها نقش بسته و مانده است (Parchami 1992). «آواهای بومی گیلان» هر کدام سرنوشتی خاص دارند و به «مناسبت خاصی» ساخته شده‌اند. گاه شامل ترانه‌های «غمگینانه، عاشقانه، حماسی و فصلی» است که برخی از آنها در نکوهش افرادی است که در روستا ظلم و بدکاری کردند و برخی دیگر در ستایش از افرادی است که مورد توجه مردم بودند. به قول فریدون پوررضا: «ترانه فولکلور، مثل شیر محلی است که اگر آب در آن بریزی، خودش را از آب کنار می‌کشد؛ بدین معنی که آنچه بر این ترانه‌ها افزوده و بار

شده است، خود را نشان می‌دهد». ترانه‌های موسیقی گیلان در مجموع «یک خطی، عاطفی و پُر بار» است و در اثر گذشت زمان کهنه و خسته‌کننده نمی‌شود. «آواهای بومی» هم همین طور است، خود مردم در فضا و دوران دیگری این ترانه‌ها را دم گرفته و خوانده و خود به خود آنها را کامل کرده‌اند. در مجموع می‌توان این طور بیان نمود که شعر و موسیقی محلی به دلیل «بیان صریح و بدون واسطه با مخاطبان خود (Nami 2008)»، انتقال پیام‌ها و آرمان‌های ذهنی و عواطف و احساسات هنرمند را به دیگران آسان‌تر می‌سازد؛ در حالی که در «معماری، پیام ذهنی هنرمند باید در قالب واسطه‌ای به نام ساختمان، به دیگران انتقال یابد اما از آنجا که «رابطه‌های شکلی» و «رابطه‌های معنوی» میان موسیقی و معماری وجود دارد (Malek Aslanian 2008)»؛ در (جدول ۳) به طور تفصیلی سعی شده است تا یکی از ترانه‌های فولکلور بنام «ایجور که زندگی نیه» از آلبوم «تازه بهار» فریدون پوررضا را که به «مفهوم‌پردازی قناعت (خودبسندگی)» در زندگی روستایی مردمان گیلان پرداخته است، با توجه به «شاخص‌های قناعت در هنر» تحلیل نماییم.

همان‌طور که در تحلیل موسیقی بومی در جدول ۳ مشاهده کردیم، «بعد اقتصادی» زندگی قناعت‌مندان به پیشترین مفهوم‌پردازی را به وسیله هنرمند بومی به خود اختصاص می‌دهد زیرا ظرف تحقق «حیات طیبه» در زندگی این جهانی، یعنی این که «فرد زندگی خود را با امکاناتی که در دست دارد، منطبق سازد» زیرا «قناعت» هم باعث «افزایش مال» و «بی‌نیازی» و هم باعث «صفای باطن» و «درک معنویت» می‌شود، علاوه بر اینها باعث «مناعت طبع» و «حفظ کرامت انسانی» می‌شود. رواج قناعت در جامعه باعث «افزایش عرضه» و «کاهش تقاضا» می‌گردد. «انسان قانع»، نفس خویش را به «ساده‌زیستی» عادت می‌دهد؛ در نتیجه از زندگی ساده‌ی خود همان لذتی را می‌برد که ممکن است رفاه‌طلبان با هزینه‌ی زیاد نبرند.

جدول ۳: مقایسه «مفهوم‌پردازی قناعت» در موسیقی محلی گیلان با استفاده از «شاخص‌های قناعت در هنر»

Table 3: Comparison of "Conceptualization of Contentment" In Gilan Folk Music Using "Indices of Contentment In Art"

بُعد قناعت (شاخص)	مفهوم‌پردازی	شعر
		معنی
بُعد اجتماعی (بی‌اعتنایی به نیازهای کاذب)	کنایه از «از خودبیگانگی با محیط و بستر (به‌عنوان یک روستایی، رفتار شهری‌ها را انجام دادن)» (میان‌روی و پذیرفتن داشته‌ها)	تومون لیگه جوره گیتن / چلار دوشه سر نُن
		به‌عنوان یک روستایی پاچه شلوارت را می‌دهی بالا و راه می‌روی تا گلی نشود / درحالی‌که شلوارت گلی بشود، آن را عوض می‌کنی و می‌گذاری روی تلار (چلار)
بُعد اقتصادی (دوام و ماندگاری)	دعوت به فرهنگ زندگی روستایی که پشتوانه امنیت اقتصادی و اجتماعی «خانواده» می‌باشد (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)	پا برنده چَل دکتَن / سه چار ته زکه نون دَن
		در صورتی‌که باید پابرهنه بیفتی تو گل و لای (منظور زمین‌های خاکی روستایی است که در گیلان به دلیل بارش، در اکثر ایام سال به‌صورت گل ولای می‌باشد) / تا نان و روزی به دست بیاوری و سه چهار تا بچه را بزرگ کنی (سه چهار بچه هم اشاره به «نفی تک فرزندی» در فرهنگ روستایی گیلان دارد؛ چون جامعه روستایی اعتقاد داشتند که هرچه تعداد فرزندانشان بیشتر باشد، در کارهای اقتصادی می‌توانند کمک حال خانواده باشند)
بُعد اقتصادی (کم‌هزینگی)	کنایه از «وابستگی به بیگانه» و «تنبلی و کار نکردن» (عدم تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	این و اونَه قرض هگیتن / ده شهی پول کار نکن
		دائماً از هرکسی قرض و پول دستی می‌گیری / درحالی‌که ده شاهی هم کار نمی‌کنی، به همین خاطر برای گذران زندگی، مجبور هستی با قرض گرفتن اموراتت را بگذرانی
بُعد اجتماعی (حفظ شأن ساکنین)	کنایه از ناسیاسی و قدرناشناسی نسبت به اصالت و هویت منطقه‌ای (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	گیله‌مرد نُو ویتن / بندوم خو نوم سر زَن
		حالا اسم «گیله‌مرد» را هم روی خودت گذاشتی و این لقب را بیدک می‌کشی
بُعد اجتماعی - هنری (سودمندی - هویت)	اشاره به انتخاب «سبک زندگی» نادرست با توجه به فرهنگ خودی (سازگاری)	ایچور که زندگی نیه / خدا را بندگی نیه
		این «سبک زندگی» که درست نیست / راه و رسم بندگی کردن خداوند نمی‌باشد
بُعد اقتصادی - اجتماعی (مطلوبیت - حفظ شأن)	دعوت به کار و تلاش (پذیرفتن داشته‌ها)	گیله‌مرد دست‌وپا واقشنگ پیل بکنی / روخونه زندگ آوه کارچی تیل بکنی
		دست و پاهای یک «گیله‌مرد» باید از کار و تلاش زیاد پیله ببندد / به گونه‌ای که وقتی برای شستن آنها به رودخانه رفت، آب زلال و شفاف رودخانه را گل‌آلود کند
بُعد اقتصادی (دوام و ماندگاری)	اشاره به «خودبسندگی زندگی روستایی» و عدم نیاز به بازار	آخ ته چی سر بکاره بیشی سبزی بهینی / تو و هر چن ما به سر بازاره رنگه ندینی
		آخر تو را چه به این‌که بروی بازار برای خرید سبزیجات و صیفی‌جات / تو باید چند ماه به چند ماه، رنگ بازار را نبینی (درواقع تو خودت کشاورز هستی، تو که نباید برای خرید محصول به بازار مراجعه کنی؛ باید خودت بکاری و دسترنج‌ات را مصرف بکنی. خودت نیاز روزانه‌ات را تأمین بکنی)
بُعد فنی - علمی (بهره‌برداری از امکانات محیطی)	توجه به داشته‌ها و امکانات (بهترین استفاده از داشته‌ها)	تو کی زور و بازو و زمین داری / چرا بامول آیی تی دست نکری
		تو که جوان و نیرومند هستی (زور و زمین داری) / چرا کاری که از دستت برمی‌آید، انجام نمی‌دهی و کشت‌وکار نمی‌کنی
بُعد اقتصادی (بی‌اعتنایی به نیاز کاذب - کم‌هزینگی)	اشاره به تقابل «راحت‌طلبی» با «خودبسندگی اقتصادی (قناعت)» (پوشاندن خواسته‌ها)	اگه سیر و پیاز و پامودوره پول ندی / ایزیلی جان تیشه کرمعلی زحمت بدی
		مشت کرمعلی، اگر یک ذره جان عزیزت را به زحمت بیاندازی / نیازی نیست برای سیر و پیاز و گوجه‌فرنگی (محصولات کشاورزی)، پولی را پرداخت کنی
بُعد اقتصادی - اجتماعی (مطلوبیت - حفظ شأن)	دعوت به کار و تلاش (پذیرفتن داشته‌ها)	گیله‌مرد دست و پا، واقشنگ پیل بکنی / روخونه زندگ آوه کارچی تیل بکنی
		دست و پاهای یک «گیله‌مرد» باید از کار و تلاش زیاد پیله ببندد / به گونه‌ای که وقتی برای شستن آنها به رودخانه رفت، آب زلال و شفاف رودخانه را گل‌آلود کند

بُعد اجتماعی - هنری (سودمندی - هویت)	اشاره به انتخاب «سبک زندگی» نادرست با توجه به فرهنگ خودی	ایچور که زندگی نیه / خدا را بندگی نیه
---	--	---------------------------------------

## ۳-۲. بازشناسی تجلی فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان

### ۳-۲-۱. ارتباط بین قناعت و معماری روستایی

معماری روستا نیز با خانه آغاز می‌شود و با خانه به آخر می‌رسد. معماری خانه‌ی روستایی ساده و بسیار آرام است اما در کمال بی‌پیرایگی بسیار پیچیده است. پیچیدگی معماری روستایی متظاهر نیست بلکه آنچه که تظاهر می‌کند سادگی و آرامش است (Akrami 2010). در این زمینه، در حوزه‌ی ارتباط بین «مسکن» و «قناعت»، امام صادق (ع) می‌فرماید: «كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالَ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هر ساختمان و خانه‌ای که بیش از مقدار کفاف و نیاز انسان باشد، روز قیامت وبال گردن صاحبش می‌شود (Al-Hurr al-Amili, Vol.5, 1842)». پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «كُلُّ بِنَاءٍ وَبَالَ عَلِيٍّ صَاحِبِهِ اِلَّا مَا قَلَّ وَ كَفَى: هر بنایی وبال گردن صاحبش می‌شود (Koleini 2004)». پس انسان باید در تهیه خانه و سایر لوازم زندگی، به مقدار نیاز و کفاف اقدام کند و بیش از آن به‌طور معمول برای انسان دل‌بستگی به دنیا می‌آورد و به همان میزان، از آخرت خود باز می‌ماند. البته مقدار نیاز و کفاف افراد برحسب تعداد افراد، محیط معیشتی و موقعیت اجتماعی افراد تفاوت می‌کند (Dehghani 2018)؛ به عبارت دیگر، معماری و شهر اسلامی به آرامی به آسراز خاک برمی‌آورد؛ از منابع طبیعت حداکثر استفاده را می‌برد و وقتی خالی از سکنه شد، بار دیگر به آرامی به آغوش خاک برمی‌گردد (Nasr 2010)؛ معماری روستایی نیز، در واقع یک نوع معماری عامیانه، خودجوش، بدیهه‌ساز و وفادار به طبیعت می‌باشد که عناصر و اجزای کارکردی و کالبدی آن، متأثر از طبیعت، اقتصاد و معیشت روستاییان می‌باشد که اقتصاد معیشتی، معماری روستایی را غنی می‌ساخته است (Haji Ebrahim Zargar 2006). انسان روستایی ضمن این که هنرمند است، فناور هم هست؛

معماری و فناوری شغل و حرفه او نیست ولی با رجوع به خرد جمعی می‌تواند برای خودش خانه بسازد. در بسیاری موارد، تمام خانواده با هم خانه می‌سازند. از این دید، تشریح مساعی فکری و عملی در خانواده‌ی روستایی برای ساخت خانه یعنی تمرین درس هستی‌شناسی، زیرا معماری بُعد هستی‌شناسی دارد؛ بنابراین همه خانواده و حتی فرزندان خردسال در این تمرین شرکت می‌کنند. او در این تمرین با احساس، ذوق، هنر، عناصر و نیروهای طبیعت آشنا می‌شود. از این رو، خانه‌سازی در جامعه روستایی، کارگاه شناخت‌شناسی هستی است و انسان روستایی در طول زندگی خود، حداقل یک بار این کارگاه را تجربه می‌کند. ره‌آورد این کارگاه، شناختی است که او نسبت به جهان و زندگی توانمند می‌کند. این رمز رازآموزی انسان روستایی از معماری است؛ او بدین طریق نیروهای طبیعت را می‌شناسد و دوستی و همزیستی مسالمت‌آمیز با طبیعت را می‌آموزد و خود را موجودی از طبیعت خداوند می‌شناسد (Akrami 2010). خانه روستایی به کمک انسان روستایی و به صورت فطری ساخته شده، فضایی است که سازنده در آن حضور همه‌جانبه داشته و این حضور سبب شده که خانه روستایی بتواند نهادی شود که شکل مشترکی از بودن را به نمایش می‌گذارد (Najafi & Alalhesabi 2022). مسکن بومی روستایی تصویری از بستر و زندگی روزمره روستایی است که در خدمت شیوه‌ای خاص از فعالیت‌های انسانی (معیشت دامداری و کشاورزی) قرار دارد. خانه روستایی ارتباط عمیقی با محیط داشته، به آن وابسته است و محل سکونت افرادی است که به «فعالیت‌های تولیدی» اشتغال دارند (Sartipi Pour 2011). برای فهم بهتر از رابطه‌ی «قناعت» و «معماری روستایی»، در بخش بعد به تجلی ابعاد «فرهنگ قناعت» در معماری بومی گیلان پرداخته می‌شود تا به درک دقیق‌تری از موضوع دست پیدا

سیالیتی خاص بخشیده است. محورهای اصلی در خانه‌های روستایی گیلان که سلسله‌مراتب فضایی را معین می‌کنند از پایین به بالا، از بیرون به درون و از جلو به پشت بناست. «محور جلو به پشت»، برای تفکیک فضاهای تمیز و کثیف به کار می‌رود. این تقسیم‌بندی هم در سایت و هم در بنا رعایت می‌شود. حیاط هر خانه سلسله‌مراتبی دارد که براساس شغل صاحب‌خانه فرق می‌کند. سلسله‌مراتب در خانه‌های این منطقه تابع دو الگوی کلی خانه «کشاورز» و «دامدار» است. به‌طورکلی سلسله‌مراتب و تقسیم‌بندی حیاط براساس فعالیت‌ها صورت می‌گیرد. در قسمت جلو حیاط اصلی «تلمبار، باغچه، کندوج» و در قسمت کناری که محوطه‌ی زن محسوب می‌شود، تنور قرار دارد. در طرف دیگر محوطه‌ای برای ماکیان و در پشت خانه یا در گوشه‌های حیاط، فضاهای سرویس بهداشتی و انبار قرار دارد. جایگاه این فعالیت‌ها در زمستان و تابستان فرق می‌کند. به‌طوری‌که در زمستان تمام فعالیت‌ها یک گام به عقب می‌آیند؛ مثلاً تنور خانه به داخل خانه کشیده می‌شود یا جایگاه مرغ و خروس زیر ساختمان و در فضای خالی پی قرار می‌گیرد. اجزای کلی محوطه در الگوی خانه کشاورز، شامل «مسیر، پرچین، پوشش گیاهی، تلمبار، مکان مرغ و خروس، تنور و قسمت‌های ناپاک» است (Razjoo et al. 2019). در معماری مسکن روستاهای گیلان که در کرانه‌های دریای خزر و دامنه‌های شمالی کوه‌ها واقع شده‌اند، می‌توان سه گونه‌ی معماری شامل گونه‌های «جلگه‌ای و کوهپایه‌ای، کوهستانی مرطوب، کوهستانی نیمه‌خشک» که حاصل تفاوت در اقلیم و نیازهای معیشتی انسانی است را شناسایی کرد. در جامعه روستایی گیلان، تیپولوژی بنا از لحاظ رعایت نیازهای خانواده، حریمیت‌ها و تقسیم‌بندی‌ها و روابط اجتماعی، دارای مرزها و محدوده‌های نامرئی می‌باشد (جدول ۴). در این بناها، اتاق عمدتاً به عملکرد ویژه‌ای اختصاص نمی‌یابد. فضاها برحسب شخص یا جنس تقسیم‌بندی خاصی ندارند

## ۲-۲-۳. تجلی ابعاد «فرهنگ قناعت» در ساحت معماری روستایی گیلان

در شکل‌گیری مسکن روستایی، دو عامل «جغرافیای طبیعی» و «انسانی» نقش اساسی را بازی می‌کنند (Ahmadian et al. 2008)؛ عامل جغرافیایی یعنی رابطه‌ی انسان با طبیعت خود به دو عامل «محیطی» و «طبیعی» تقسیم می‌شود. عامل محیطی با خصوصیات آب‌وهوایی منطقه در ارتباط است و عامل طبیعی به خصوصیات استقرار مسکن در دسته‌بندی جلگه‌ای، کوهستانی، کوهپایه‌ای و ساحلی اشاره دارد و عامل انسانی به روابط انسان با انسان در محیط در قالب ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ایفای نقش می‌کنند (Lang 2002 Quoted from Khosrow Nia 2009). معماری روستایی گیلان به دلیل تنوع اقلیمی (بیلاقی، کوهپایه‌ای، جنگلی، جلگه‌ای)، رنگارنگی فرهنگی و همزیستی اقوام گوناگون (گیلک، تالش، ترک، گالش، کرد)، جلوه‌های متنوع، هر یک هماهنگ با طبیعت مناطق و نیازهای ساکنان آن دارد. شناسایی و شناساندن دانش نانوشته و رمز و رازهای نگفته انواع این معماری نشان خواهد داد که ساکنان روستاهای گیلان در طول تاریخ، چگونه اهل سرزمین خود بوده‌اند (Hashemi 2010). مهمترین عواملی که در روستاهای گیلان، معیشت روستائیان به آن‌ها متکی می‌باشد عبارت‌اند از: زراعت (کشت محصولات یک‌ساله)، باغداری (اعم از محل مرکبات)، دامداری (اعم کوچک و بزرگ)، بهره‌برداری از جنگل و علفزار، صید و شکار و آبخورداری، صنایع دستی، اماکن (زیارتی، سیاحتی و ورزشی)، صنایع روستایی، مشاغل دولتی و خدماتی (Pour Esa Chaffjiry & Ghasemi Roshan 2021). چند عملکردی بودن فضاها، جابه‌جایی عملکردها در فصول مختلف سال و عدم تفکیک فضاها براساس جنسیت استفاده‌کنندگان، به فضاهای معماری گیلانی تنوع و



می‌نماید و به‌کار گرفتن هوشمندانه آن در عرصه ساخت‌وساز،  
حقیقتی است که امروزه عرصه معماری به شدت کمبود آن  
را احساس می‌کند (Ahani 2009).

و براساس تغییر فصل‌ها و نیازهای خانوادگی، مصارف  
گوناگونی پیدا می‌کنند. صداقت معماری بومی گیلان در درک  
و پذیرش رهنمودهایی که از محیط اطراف خود دریافت



ژورنال مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۴: مقایسه مفهوم‌یابی ابعاد فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان

Table 4: Comparison of The Conceptualization of The Dimensions of Contentment Culture In The Rural Architectural of Gilan

تعریف	شاخص‌ها	ابعاد قناعت
«فرهنگ» در گیلان با سایر نقاط ایران تفاوت دارد؛ این می‌تواند معلول تمایزات بارز جغرافیا و اقلیم باشد. مردم گیلان که به دلیل شرایط خاص جغرافیایی به‌صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند، برای فعالیت‌های اقتصادی، «نیازمند کار همه‌ی افراد خانواده» هستند. به عبارتی، مهمترین مراحل کشت برنج بر دوش «زنان گیلانی» است؛ «کار زیاد زنان در شالیزار و خارج از خانه» منجر به «تظاهرات فرهنگی» متمایزی شده است. این ملاحظات، محصوریت کامل مسکن را- بدان گونه که در ایران مرکزی مشاهده می‌شود- متفی نموده، «محرمت بنا» را به حداقل می‌رساند. از طرفی «نیاز دائم محوطه برای حفظ اموال و مزرعه»، «ارتباط بصری تنگاتنگی بین درون و برون بنا» را می‌طلبد. در روستاها، مسکن و مزرعه بیشتر به‌صورت «خانه- باغچه» بوده است. اینها همه در کنار «پوشش نسبی زن گیلانی» که در تمام اوقات روز با آن «زندگی و کار» می‌کند، «معماری برون‌گرا» را بسیار موجه می‌کند (Khakpour 2007). در «معماری گیلان»، «فضاهای شفاف و متخلخلی» که رو به بیرون دارد، اگرچه برای پاسخ به «نیازهای اقلیمی» خلق شده، در «همهانگی کامل با نیازهای مذهبی» و «باورهای فرهنگی» مردم این دیار است. با این وصف، می‌توان «فرهنگ مردم گیلان» را مانند «معماری» آن، «برون‌گرا» توصیف نمود (Khakpour 2012).	حفظ شأن ساکنین	بعد اجتماعی
در «زندگی اجتماعی روستایی گیلان»، «خانه» تنها جزئی از یک «مجتمع زیستی همگن» است و کل مجتمع، کادری از زندگی است که «سلسله‌مراتب خصوصی سازی زیستن» در آن به غایت رعایت شده است و «سکونت خصوصی»، «سکونت عمومی» و «سکونت مجتمع یا سکونت در آبادی»، مکمل هم واقع می‌شوند. اساساً «فضاهای عمومی روستا»، «صحنه ملاقات و دیدار انسان‌ها» و ارتباط عمومی آنها است. این «تعامل» نیازمند فضایی مشاع است که دیدارهای روزانه در آن به وقع بیوندد و این مکان عمومی نیز، حافظ ارزش‌های موردتوافق در اجتماع بوده و سکونت عمومی را فراهم می‌سازد (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).	هنری در متن جامعه	
«عامل دفاع» و یا «وجود امنیت» در هر منطقه توجیه‌کننده «خصوصیات دیوارها، موانع، پرچین و حصار» به «اشکال متخلخل یا صلب» به دلیل «نقش دفاعی و بازدارندگی» آنها است. «فقدان حصار محکم و دیوارهای صلب» در معماری بومی روستایی گیلان، حکایت از «وفاق اجتماعی» و «وجود امنیت طولانی» در این مناطق دارد. این عامل در کنار «دلایل اقلیمی»، «بافت باز» را موجه جلوه می‌دهد. درواقع نوع محصوریت و گونه‌های حصار و دیوار بناهای مسکونی گیلان، مبین میزان «محرمت فضایی» و «نحوه تفکر و اعتقادات مردم» این مناطق است (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).	بی تکلفی و بی‌اعتنایی به نیازهای کاذب	
در نقاط جغرافیایی مختلف، حرفه‌های بومی و نحوه‌ی معیشت مردم متنوع است؛ به تبع فعالیت‌های اقتصادی گوناگون، الگوی مسکن نیز تفاوت دارد، چرا که «مکان زیستی» باید «پاسخگوی نیازهای رفتاری مردم» در پیوند با «کار و مشغله‌ی روزانه» باشد. بدین سبب در هر منطقه «محوطه‌ی مسکونی» و «عناصر خدماتی خانه»، در فرم و ابعاد ویژه‌ای شکل گرفته است. در نقاط «کوهپایه» براساس شغل مسلط ساکنان که «باغداری» است، بنابر نوع «محصولات باغی»، فضاهایی برای قرارگیری لوازم و گاه انبارهایی برای محصولات و لوازم جانبی مورد نیاز است. در این نوع «فعالیت‌های اقتصادی»، فضاهایی برای «تبدیل محصول برداشت شده (مانند فندق و گردو)»، به محصولات قابل عرضه به بازار نیز لازم است. برحسب «نوع فرآوری» و «میزان آلودگی»، این فعالیت در «محوطه» یا «فضای سرپوشیده‌ای در داخل یا خارج بنای مسکونی» صورت می‌پذیرد و ظهور عناصر خدماتی مناسب برای این قبیل فعالیت‌ها الزامی است؛ بنابراین در هر ناحیه، «اشتغال مسلط ساکنان»، گویای جایگزینی عناصر خدماتی محوطه‌ی مسکونی است. از آن جمله: وجود «تور (تندور)» برای خشک کردن برگ‌های توتون» و نیز «توتستان» و «تلمبار» برای نوغان‌داری (تلمبار) بنای غیرمسکونی در محوطه‌ی خانه روستایی است که دارای پایه‌هایی با سقف دوشیبه است و فضای مثلی زیر سقف، محل اصلی کرم‌های ابریشم تا تبدیل آنها به پله‌ی ابریشم است» (Khakpour 2007).	کم‌هزینه‌گی	
در سرزمین گیلان، «خاستگاه هر چیز» در «طبیعت» است. طبیعت گیلان- برخلاف کویر که به‌مانند موجودی رازانگیز، همواره برای بشر منشأ راز و نه تویی بوده- با «دست‌گشادگی» همه‌ی موهبت‌های خداوند را تقدیم بشر کرده است. معماری بومی گیلان، دربرگیرنده راه‌حل‌های کاملی است در خصوص: الف) شرایط اقلیمی خاص منطقه؛ ب) استفاده زیرکانه از مصالح موجود در طبیعت اطراف؛ مانند این‌که بخواهی با زبان طبیعت با او به صحبت بنشین؛ پ) استقرار ماهرانه فضاهای زندگی در محیط زندگی: آن‌گونه که هر فضا متناسب با فصلی از فصول سال است؛ ت) استفاده از فرم‌هایی که کلیت‌شان، طرح‌واره‌های فرم‌های طبیعی را به ذهن متبادر می‌کنند (طرح‌واره‌هایی که از طبیعت در ناخودآگاه ذهن انسان جای گرفته به طرق مختلف در زندگی انسان امکان بروز می‌یابد: خواه در هنر آفریده‌ی انسان متجلی می‌شود، خواه به دلیل نیازهای زندگی از طریق ساخت وسیله‌ای خودنمایی می‌کنند؛ ث) تأثیر فرهنگ منطقه در معماری آن (Shokohi Rad 2005). زمانی که یک روستایی می‌خواهد خانه خود را بنا کند، این امر با یاری اهالی روستا، آشنایان، استادکاران و اعضای خانواده صورت می‌گیرد. لذا در ساخت بنا، روش‌ها و فنونی به‌کار می‌رود که حاصل تجربه نیاکان جامعه روستایی در محیط طبیعی است. درواقع «ساختن»، میوه «شعور اجتماعی» این جامعه است و «کالبد فیزیکی خانه» در نتیجه‌ی «دانش و فنون بومی» جامعه‌ی روستایی بنا می‌شود (Taleghani 2011 quoted by Dahon 2012).	دوام و ماندگاری	بعد اقتصادی
«معماری بومی روستایی گیلان»، مانند هر «معماری برخاسته از زادبوم» و بر مبنای «نیازها» و «همهانگی با عوامل محیطی (اکولوژیکی)» پدید آمده و از سوی دیگر بر پایه‌ی «باورهای ذهنی» و «کنش‌های اجتماعی- فرهنگی» مردم منطقه در «همهانگی با کنش‌های اقتصادی»، شکل یافته است. بیشتر متعلقات خانه و فضاهای خدماتی واحد مسکونی همانند «تلمبار، کندوج، طویله»، به‌طور مستقیم در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی پدید آمده‌اند. بدیهی است که ساکنان، از تنوع زیاد این عوامل (طبیعی، اقتصادی و اجتماعی- فرهنگی) بهره برده تا بتوانند به بهترین وضعیت مسکن، محله و سکونتگاه خود را بهبود بخشند (Khakpour & Eshghi Sanati 2015).	سودمندی (مطلوبیت)	

<p>استان گیلان که خصوصیت اقلیمی بارز آن «اعتدال دما»، «رطوبت زیاد هوا» و «بارش‌های طولانی» است؛ مسکن پس از رفع نیاز اولیه، یعنی سرپناه و مأمّن و جلوگیری از شداید طبیعت، حتی‌الامکان باید «رطوبت زیادتر از حد آسایش انسان» را دور نماید، یعنی «بنا باید به طریقی رطوبت هوای اطراف بدن انسان را کاهش دهد و امکان تعرق و تبخیر سطح پوست و در نتیجه، کاهش دمای بدن را مهیا سازد». به‌طور مثال در «جلگه‌ی مرکزی گیلان (که رطوبت آن بسیار زیادتر از سایر نقاط است)»، علاوه بر وجود «ایوان‌هایی در چهار طرف ساختمان»، «بنا از سطح زمین نیز ارتفاع می‌یابد» و بدین‌وسیله، تهویه‌ی لایه‌ی زیرین ساختمان نیز تأمین می‌شود. همچنین «ایوان» و «تالار (ایوان طبقه‌ی دوم که بیشتر در معرض باد است و کوران بهتری دارد)»، حرکت راحت هوا در طبقات مسکونی را امکان‌پذیر می‌کند؛ بنابراین «تهویه با جریان باد»، نه تنها در «جداره‌های محیطی ساختمان»، بلکه در «لایه‌های سطوح مختلف» آن نیز صورت می‌پذیرد. ایوان فضایی است که در ایام گرم تابستان «فضای استراحت، غذا خوردن و تمام فعالیت‌های ساکنان» بوده است و از مهمترین عناصر واحد مسکونی محسوب می‌گردد (Khakpour 2007). برای «اتصالات اجزا» به‌جای استفاده از «میخ و سیم‌های فلزی»، از «طناب‌های گیاهی» استفاده می‌شده است. متداول‌ترین این طناب‌ها، «وریس» است که از تاب دادن «ساقه‌های برنج» بافته می‌شود. «کُوس» گیاهی است که مثل پیچک دور درختان می‌پیچد؛ «کُوس» نسبت به «وریس» محکم‌تر و ضخیم‌تر بوده، به همین دلیل از آن جهت بستن چوب‌های خرپا استفاده می‌شود. از دیگر طناب‌های گیاهی می‌توان به «لُرک کول (از پوست درخت لُرک)» و «عسل ما (گیاهی شبیه کُوس، به رنگ طوسی)» اشاره کرد (Ghobadian 2006).</p>	<p>پایداری</p>	<p>بُعد علمی- فنی</p>
<p>به علت حرکت گرما از طبقات پایین به بالا و تابش فراوان بر بام بنا، فضای زیر بام مکانی گرم است که برای کاهش دما و رطوبت در تابستان، به تهویه‌ی مناسب نیاز دارد. «راهکار معماری» در «مسکن بومی» این بوده که «تخته‌کوبی بین تیرهای افقی سقف طبقه بالا حذف گردیده و در نتیجه‌ی دسترسی به بام با نام «لوجنک یا روزنک»، تهویه‌ی فضای زیر سقف را ممکن می‌کرده است. بدین ترتیب جریان هوا در سطوح ارتفاعی مختلف ساختمان وجود داشته و «فضاهای نیمه‌محصور» مسکونی در لایه‌های افقی و عمودی ساختمان، موجب تهویه‌ی بیشتر بنای مسکونی می‌شده است. در زمستان فاصله‌ی میان تیرهای افقی سقف با «عناصری سبک مانند حصیر» پوشیده می‌شد تا از هدر رفتن گرمای زیر سقف جلوگیری شود (Khakpour 2007).</p>	<p>مصرف بهینه انرژی</p>	
<p>«طبیعی بودن» یا «ارگانیک بودن» نه تنها در «فرم ظاهری»، بلکه در «تکنیک‌های ساخت» و حتی در طریقه‌ی «استفاده از فضاهای خانه» در معماری بومی این سرزمین خودنمایی می‌کند. «مواد و مصالح» رایج در ساخت یک «بنای بومی» عمدتاً عبارت‌اند از: الف) چوب (در دو نقش متفاوت در معماری بومی گیلان خودنمایی می‌کند: ۱) در نقش «سازه‌ای»؛ ۲) برای «تزیین قسمت‌های مختلف بنا» مخصوصاً در قسمت «اتصالات»؛ ب) گالی یا کولوش؛ ج) گل (به شکل مخلوط با گالی یا کولوش و به‌عنوان کاهگل استفاده می‌شد)؛ د) آهک و گچ (عمدتاً برای رویه‌ی نهایی دیوارها کاربرد داشت) (Shokohi Rad 2005).</p>	<p>بهربرداری از امکانات محیطی</p>	
<p>«احساس تعلق داشتن به مکان و یک قلمرو» و «نیاز به هویت»، از نیازهای ثابت با حساسیت بحران‌زایی زیاد است. «هویت به معنای درک مردم درباره کیستی و چیزهایی است که برایشان معنادار است»؛ مفهوم «هویت» در «فرآیند اجتماعی شدن انسان» یافت می‌شود و «کنش متقابل بین شخص و جامعه» موجب اتصال «جهان شخصی و عمومی» وی می‌گردد. در روستاهای گیلان، «خانه» جدای از «محل» و روستا نبوده بلکه در موافقت با آن، گوشه‌ی دنجی برای «زندگی خصوصی» است که در ارتباط با مردم روستا نیز قرار می‌گیرد. «زندگی کردن در منطقه‌ای آشنا و میان مردمی از نوع خود که شیوه‌ها و عادت‌هایشان را شناخته شده است» به انسان «احساس امنیت» می‌دهد. بدین سبب زندگی افراد روستا، با آبادی یعنی صحنه رخداد سکونت طبیعی، درهم می‌آمیزد (Khakpour &amp; Eshghi Sanati 2015).</p>	<p>هویت</p>	
<p>در معماری مسکونی گیلان، «فضای مربع اتاق‌ها» که چهار وجه مساوی دارد، ماهیتاً «ایستا» است و معنای «سکون» را به تمامی دارا است. چنین فضایی از حداقل پویایی برخوردار است و آرامش و امنیت را به همراه دارد اما «تالارها» با تناسب «مستطیلی کشیده»، فاقد سکون و ایستایی و برای انجام «فعالیت‌های روزانه افراد خانه» مناسب‌اند. این فضاها قابلیت تقسیم به چند بخش برای دسته‌بندی فعالیت‌ها و اختصاص بخش‌های مجزا برای انجام کارها را دارند. «فضاهای خطی ایوان‌های جانبی» در خانه‌های گیلان، «مشوق حرکت» و «مناسب برای تقسیم به چند بخش» است. از نظر «مقیاس» نیز، معماری بومی مسکونی گیلان به «مقیاس انسانی» ساخته می‌شود. این موضوع نه تنها «محیط» را راحت‌تر توصیف می‌کند، بلکه در آن احساس اهمیت و تسلط بر اوضاع می‌کنیم («ارتفاع صفحه سقف» در «کیفیت امنیت» و «صمیمیت فضا» بسیار مؤثر است) (Khakpour 2007).</p>	<p>کم‌گویی</p>	<p>بُعد هنری</p>
<p>از اتاق‌های اصلی خانه به‌ندرت برای انجام کارهای خاص استفاده می‌شود، واژگان زبان محلی از این لحاظ گویاست؛ درواقع اتاق‌ها براساس نقش‌های دائمی که ممکن است بر عهده داشته باشند، متمایز نمی‌شوند بلکه هر یک از آنها به‌نوبت و مطابق با «آهنگ تغییرات فصلی» مرکز «حیات خانوادگی» می‌گردد. شکل‌بندی خانه‌ی گیلانی، از نظر شکل‌بندی بیرونی آن، ثابت بوده اما ترکیب درونی «انعطاف‌پذیری» دارد؛ لذا با کاربردهای متعدد تطبیق‌پذیر است (Bronberger 1991). زن روستایی با قرار دادن «تور» در گوشه‌ای از ایوان، یا ظروف آشپزی در گوشه‌ای از اتاق، آن بخش را به خود اختصاص می‌دهد. درواقع به نظر می‌رسد یکی عوامل تعیین‌کننده‌ی قسمت‌های مردانه و زنانه، «ابزار و وسایل مربوط به آنها» است؛ آن‌چنان‌که قرار گرفتن «کله (نوعی اجاق)» در بخشی از فضای اتاق، در زنانه تلقی شدن آن قسمت مؤثر بوده، همان‌گونه که ابزار متأثر از تکنولوژی پیچیده از جمله تلویزیون، عاملی برای تجمع مردان خانه در آن محدوده است (Khakpour &amp; Asali 2019).</p>	<p>سلیقه‌مندی</p>	

میرسیار در «سادات‌محله» روستای بارکوسرا از توابع بخش رودبنه شهر لاهیجان قرار داشت که در سال ۱۲۹۶ هجری شمسی ساخته شد. صاحب این خانه حاج سیدتقی میرسیار از طبقه روحانیت بوده و پس از فوت وی خانه به پسرش سیدمرتضی به ارث رسید. این خانه تا سال ۸۱ مسکونی بوده و مادر میرسیار در آن زندگی می‌کرد که پس از فوت ایشان، خانه متروکه بود تا هنگامی که موزه میراث روستایی گیلان در سال ۱۳۸۳ خانه را از نوهی میرسیار به نام سیدعلی میرسیار آخرین مالک این خانه خریداری نمود که در دی‌ماه ۱۳۸۴ ه.ش. در سایت موزه دوباره‌چینی شد (شکل ۴). بنا در ۲ طبقه به ارتفاع ۱۷ متر و با پلانی مستطیل شکل به طول ۸/۲۶ سانتی‌متر و عرض ۷/۴ سانتی‌متر است که نمای اصلی بنا در جنوب شرقی قرار دارد تا بتواند از تابش آفتاب و از بادهای مطلوب تابستانی بهره‌مند شود. این خانه دارای ۲ اتاق خواب است که یک اتاق در طبقه اول که در مقابل آن «ایوان» و یک اتاق در طبقه دوم که در مقابل آن «تالار» قرار دارد. سازه‌ی بنا، چوبی و نحوه‌ی اجرای دیوارها را به‌صورت «دارورجین» می‌باشد. اتصالات بنا اغلب به‌صورت «مفصلی» اجرا شده به گونه‌ای که در اعضای اصلی بنا مانند اسکلت دیوارها، سقف و پی، میخ و یا هرگونه اتصال متداول چوبی به کار نرفته است؛ ضمن این که پوشش دیوار زگمه‌ای در سه لایه اندود از جنس «کولوش و گل»، «فل و گل» و «سوب و گل» اجرا شده است که در فضاهای داخلی بنا از اندود آهک که خاصیت ضدعفونی و سفیدکننده لایه‌ی گلی را دارد، استفاده شده است. پوشش بام در این بنا «گالی» است؛ این سازه به جهت سبکی نوع اتصالات آن، در مقابل زلزله بیشترین مقاومت را دارد.

### ۳-۳-۳. مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» با

#### «سامانه‌های معماری» خانه‌ی شکلی میرسیار

در ادامه‌ی این پژوهش، سعی شده است تا با استفاده از «شاخص‌های قناعت در معماری (Mahvash 2017)»، تجلی فرهنگ قناعت در معماری خانه‌ی شکلی میرسیار را در سامانه‌های انسانی (جدول ۵)، کالبدی (جدول ۶)، کارکردی

### ۳-۳-۱. تحلیل و مقایسه تطبیقی نمونه مورد مطالعه

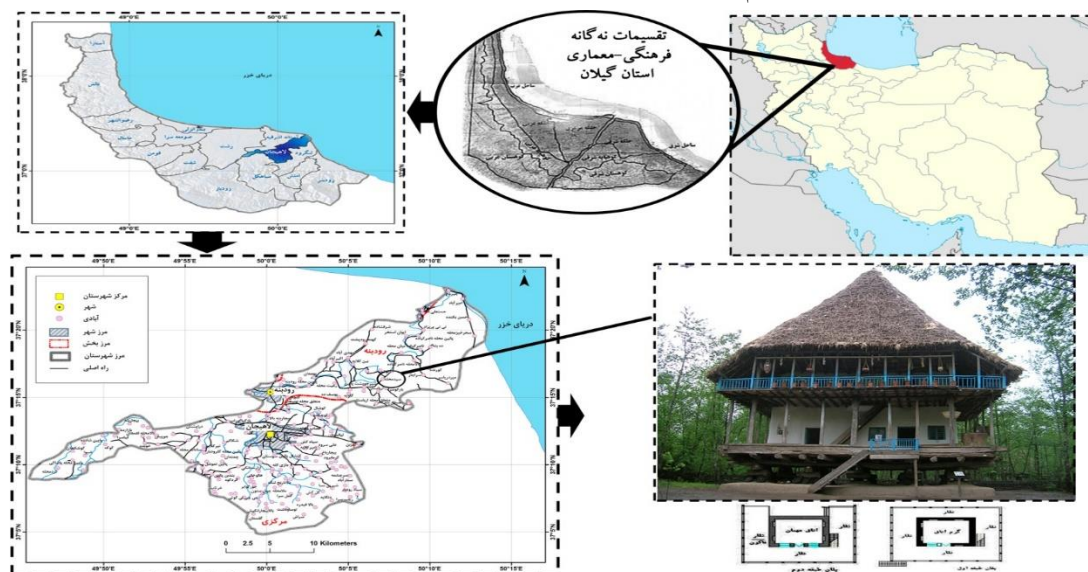
#### ۳-۳-۱-۱. ساختار نظری و مسیر انتخاب نمونه

در پژوهش حاضر، از روش مطالعه تطبیقی بهره گرفته شده که به مقایسه و تطبیق وجوه اشتراک و اختلاف دو یا چند حوزه مطالعاتی مورد پژوهش می‌پردازد و در این مسیر، به میزان همپوشانی یا تأثیر و تأثر کالبد از مفاهیم دینی پرداخته می‌شود. پژوهش‌های تطبیقی- مفهومی در رشته معماری، موجب شکل‌گیری و مفهوم‌سازی ایده‌ها در ظرفی از زمان و بستر جغرافیایی می‌شوند. بر مبنای تحقیقات صورت گرفته در پروژه‌ی میراث روستایی استان گیلان، حوزه‌ی «فرهنگی- معماری گیلان» براساس عواملی مانند: «فرهنگ (گویش، زبان و غیره)، مذهب (شیعه، سنی، ارمنی، مسیحی و غیره)، نوع فعالیت اقتصادی (کشاورزی، دامداری، صیادی، باغداری و غیره)، معماری بومی» به سه مجموعه‌ی اصلی «جلگه مرکزی»، «شرق» و «غرب» تقسیم‌بندی می‌شود که حوزه‌های شرق و غرب، خود دارای ۴ زیرمجموعه «کوهستانی، کوهپایه‌ای، جلگه‌ای و ساحلی» می‌باشند. در این بین زیرمجموعه «کوهستان، کوهپایه و در مناطقی از ساحل» به دلیل استفاده‌ی فصلی و عدم تنوع فضایی- کارکردی به دلیل شرایط اقلیمی، در پژوهش ما مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرند. بر این اساس، با توجه به شاخص‌های سنجش قناعت در معماری که می‌بایست اطلاعات کامل در حوزه‌های اندیشه‌های طراح، فرآیند ساخت، حجم نهایی، در اختیار پژوهشگر قرار گیرد، ما معماری روستایی گیلان، «خانه شکلی میرسیار» از زیرمجموعه‌ی «جلگه شرق» را انتخاب کردیم تا میزان اثرگذاری فرهنگ زندگی قناعت‌مردم گیلان را در هنر و کالبد معماری مسکن آنها بسنجیم.

#### ۳-۳-۲. نمونه مورد پژوهش: خانه شکلی میرسیار

«خانه شکلی میرسیار» واقع در موزه میراث روستایی گیلان در فهرست آثار ملی کشور به شماره ۱۹۰۹۷، در سال ۱۳۸۶ ثبت ملی شده است. بستر و مکان اولیه‌ی خانه

(جدول ۷)، سازه‌های (جدول ۸) تحلیل نمائیم.



شکل ۴: موقعیت مکانی اولیه «خانه میرسیار» در حوزه‌های فرهنگی- معماری گیلان  
Fig. 4: The Primary Location of "Mir Sayyar House" In The Cultural-Architectural Area of Guilan

جدول ۵: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه انسانی» در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 5: Comparative Comparison of "Contentment Indicators" In "Human System" In The Field of "Form (Product Architectural)"

مقایسه	ویژگی معمارانه	شاخص‌ها
تأمین نیازهای مادی (جسمی- کالبدی): انتخاب «معماری برونگرا» ← ارتباط بصری بین درون و بیرون بنا به دلیل نیاز دائم محوطه برای حفظ اموال و مزرعه	پاسخ‌گویی	رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)
تطابق با روحیات کاربران (ایجاد فضاهای شفاف و متخلخل) ← برای پاسخ به «نیاز اقلیمی»، «نیاز مذهبی» «باورهای فرهنگی»	سازگاری	
انتقال معانی و مفاهیم متعدد به‌طور هم‌زمان (چندلایه‌ای بودن نمای اصلی) ← وجود ایوان و تالار در یک تا چهار طرف بنا (فضای بینابینی چند عملکردی)	انعطاف‌پذیری	
پرهیز از پیچیدگی در معنا (سادگی و یگانگی در بنا) ← به دلیل «عدم نگرانی از حمله و غارت دیگران»	سادگی	اکتفا (بسته به کم)
خودگردانی- استفاده از نیروی انسانی بومی، دانش و فناوری بومی و بهره‌گیری از مصالح بوم‌آورد و همساز با طبیعت ← استفاده از چوب و مصالح گیاهی (مانند کولوش، گالی، نی و غیره) منطقه (از بی تا سقف بنا)	کم‌هزینه‌گی	
امکان استفاده چندگانه از اجزای اثر معماری (ایجاد مکان‌های ویژه جهت «فعالیت‌های صنایع خانگی و دستی») ← «حیاط» برای حصیریافی، مرواریدی؛ «ایوان» برای «قرارگیری دستگاه پاجال برای بافتن چادر شب»	استفاده چندمنظوره	صرفه‌جویی (بهترین استفاده از داشته‌ها)
پاسخگویی نیازهای روحی- روانی ساکنین در طول زندگی (قرار گرفتن فضای مسکونی در مرکز زمین) ← استفاده از «روش تجمیع» عناصر خدماتی در اطراف بنای اصلی.	قابلیت توسعه	
رعایت حریم‌های خصوصی در پهن‌بندی فضاهای داخلی (به حداقل رساندن «محرمت بنا» به‌منظور «اختفای زن» از انظار عمومی) ← متأثر از «فرهنگ و ارتباط اجتماعی زن و مرد در گیلان»، «پوشش نسبی زنان گیلانی» و «اشتغال دائم زنان و مردان در کنار یکدیگر و دوشادوش هم»	پوشیدگی	عفت (پوشاندن خواسته‌ها)
ترجیح دادن داشته‌های محلی بر آورده‌های وارداتی در تمامی سطوح ← هماهنگی با بستر (از نظر تمهیدات اقلیمی، فناوری ساخت، مصالح، بافت و غیره)	بومی‌گرایی	عزت و غنا (بی‌نیازی)
کاهش وابستگی به سایر منابع (ایجاد خودکفا بودن مجموعه مسکونی) ← ادغام بنای مسکونی، فضاها و تأسیسات کشاورزی و دیگر فعالیت‌های اقتصادی، حصار و پرچین، باغ و باغچه، چاه آب و غیره در «محوطه مسکونی»	قابلیت خودگردانی	
شناسایی ویژگی‌های زیستی کاربران ناشی از شرایط فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (ادغام مسکن و مزرعه به‌صورت «خانه- باغچه») ← نیازمند کار همه افراد خانواده و کار زنان در شالیزار و خارج از خانه	میان‌بودن	اقتصاد (میان‌روی)
اهمیت دادن به اجزای و موضوعات مرتبط با یک اثر متناسب با وزن ارزشی هر کدام (استفاده از نشانه‌های طبیعت نظیر درختان، گیاهان، کوه‌ها و طبیعت اطراف) ← نمایانگر جاودانگی، حیات، حاصلخیزی و برکت و رحمت الهی	تعادل	اسراف (تناسب هزینه و فایده)
پذیرش و شکل‌گیری اثر معماری از واقعیات انسانی- محیطی «فقدان حصار محکم و دیوارهای صلب» در معماری بومی روستایی گیلان) ← «میزان «محرمت فضایی» و «نحوه تفکر و اعتقادات مردم»	انطباق‌پذیری	طمع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)
مطابق با آهنگ تغییرات فصلی ← سعی بر استفاده چندگونه از فضاها	توازن	حرص

	(تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)
--	------------------------------------

جدول ۶: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه کالبدی» (شکل و صورت فضاها) در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 6: Comparative Comparison of "Contentment Indicators" In "Physical System" In The Field of "Form(Product Architectural)"

مقایسه	ویژگی معمارانه	شاخص‌ها
سازماندهی درست فضایی عملکردها ← چیدمان و مجاورت فعالیت‌های مرتبط (مانند جای‌گیری کتاف در میانه محوطه و در معرض نسیم‌های محلی تابستانی)، جداسازی فعالیت‌های متضاد (مانند استقرار طویل در غرب خانه به دلیل ممانعت از انتقال آلودگی توسط بادهای بهاری و تابستان)	پاسخ‌گویی	رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)
سازگاری با محیط زیست ← تطابق اقلیمی با هدف از ساخت مسکن (القای آرامش و آسایش)	سازگاری	
شکل‌بندی بیرون خانه، «ثابت» اما ترکیب درونی، «انعطاف‌پذیر» ← عامل تعیین‌کننده مردانه یا زنانه بودن فضا براساس «ابزار و وسایل مربوط به آنها»	انعطاف‌پذیری	
خوانایی (پرهیز از کاربرد تزئینات اضافی و الحاقی) ← بهره‌گیری از نقوش گیاهی و عناصر طبیعی موجود در بستر کاربرد عناصر سازه‌ای در طراحی داخلی	سادگی	اکتفا (بسته به کم)
توجه‌پذیری و چندعملکردی ← تناسب نوع، تعداد و اندازه‌ی فضاها با نیاز ساکنین	کم‌هزینه‌گی	صرفه‌جویی (بهترین استفاده از داشته‌ها)
مدیریت منابع ← بهترین استفاده از امکانات و تجهیزات موجود به‌منظور توسعه آتی	استفاده چندمنظوره	
رعایت حریم‌های خصوصی در پهنه‌بندی فضاهای داخلی ← ۱) قرارگیری توالت در حیاط پشتی و دور از دید؛ ۲) تعبیه فضای ماکیان در حیاط شمالی و دور از دید	قابلیت توسعه	عفت (پوشاندن خواسته‌ها)
ترجیح دادن داشته‌های محلی بر آورده‌های وارداتی در تمامی سطوح ← بهره‌گیری از الگوهای بارز فرم ساخت‌وساز معماری بومی (مانند شکل بنا، مصالح، رنگ، تزئینات)	پوشیدگی	عزت و غنا (بی‌نیازی)
امکان آفرینش اثر با استفاده از دانش و مصالح بومی بدون وابستگی به سایر منابع	بومی‌گرایی	
مطالعه و شناخت شرایط عمومی مکانی-زمانی معماری به‌منظور رعایت حداعتدال و تجاوز نمودن از حد و اندازه ← در نظر گرفتن تمامی جوانب اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی در محصول نهایی	قابلیت خودگردانی	اقتصاد (میان‌روی)
شناخت و بکارگیری روش‌ها و مصالح مختلفی که می‌تواند منجر به کم‌شدن هزینه‌ها در اثر شود ← اجرا و ساخت دیوار در هر منطقه با توجه به مصالح موجود (دیوار زگالی با شاخه‌های نازک درختان، دیوار زگمه‌ای با چوب‌های گرده و غیره)	میان‌بودن	اسراف (تناسب هزینه و فایده)
قبول واقعیات و ضوابط حاکم ← ساخت بام هرمی شکل با شیب تقریبی ۱۶۰ درصد برای کنترل کج‌باران	تبادل	طمع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)
شناسایی ویژگی‌های زیستی کاربران و برقراری توازن با شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی ← به‌وسیله‌ی مبلمان آزاد (امکان جابجایی و تغییرات در آرایش مبلمان)	انطباق‌پذیری	حرص (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)

جدول ۷: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه کارکردی» در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 7: Comparative Comparison of "Contentment Indicator" In "Functional System" In The Field of "Form(Product Architectural)"

مقایسه	ویژگی معمارانه	شاخص‌ها
چیدمان و مجاورت فعالیت‌های مرتبط ← ادغام بافت مسکونی و مزارع به‌منظور پاسخ‌گویی به معیشت و سهولت کار ساکنان	پاسخ‌گویی	رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)
بهره‌گیری از الگوهای بارز رفتاری فرهنگ محلی ← قرارگیری «باغچه سبزیجات (دست‌باغ)» در حیاط جنوبی یا شرقی؛ کاشت درختی اعتقادی یا نمادین در جلوی نمای اصلی خانه	سازگاری	
تنوع‌پذیری و تعبیرپذیری (قابلیت تغییر زیربنا با حداقل هزینه) ← چند عملکردی بودن فضاها و اهمیت کارکرد و عدم توجه به زیبایی‌شناسی	انعطاف‌پذیری	
پرهیز از پیچیدگی در روابط عملکردی (ساخت «پرچین حصار و حفاظ محوطه مسکونی») از ساده‌ترین مصالح در دسترس ← با هدف جنبه نمادین داشتن آن به‌منظور «تعیین‌بخشی به محدوده مالکیت و مشخصه قلمرو»	سادگی	اکتفا (بسته به کم)
تناسب نوع مصالح و تجهیزات به‌کاررفته در اثر با دانش کاربران برای تعمیر و نگهداری (انتخاب «مصالح» از منابع تجدیدپذیر) ← صرفه‌جویی در تولید و فرآوری مصالح ساختمانی	کم‌هزینه‌گی	
چندعملکردی بودن ← ساخت «فضاهای چندمنظوره» مانند: «کلنوج (نگهداری برنج)» با اهداف: نگهداری برنج، محل استراحت کارکنان در فصل کاشت برنج	استفاده چندمنظوره	صرفه‌جویی (بهترین استفاده از داشته‌ها)

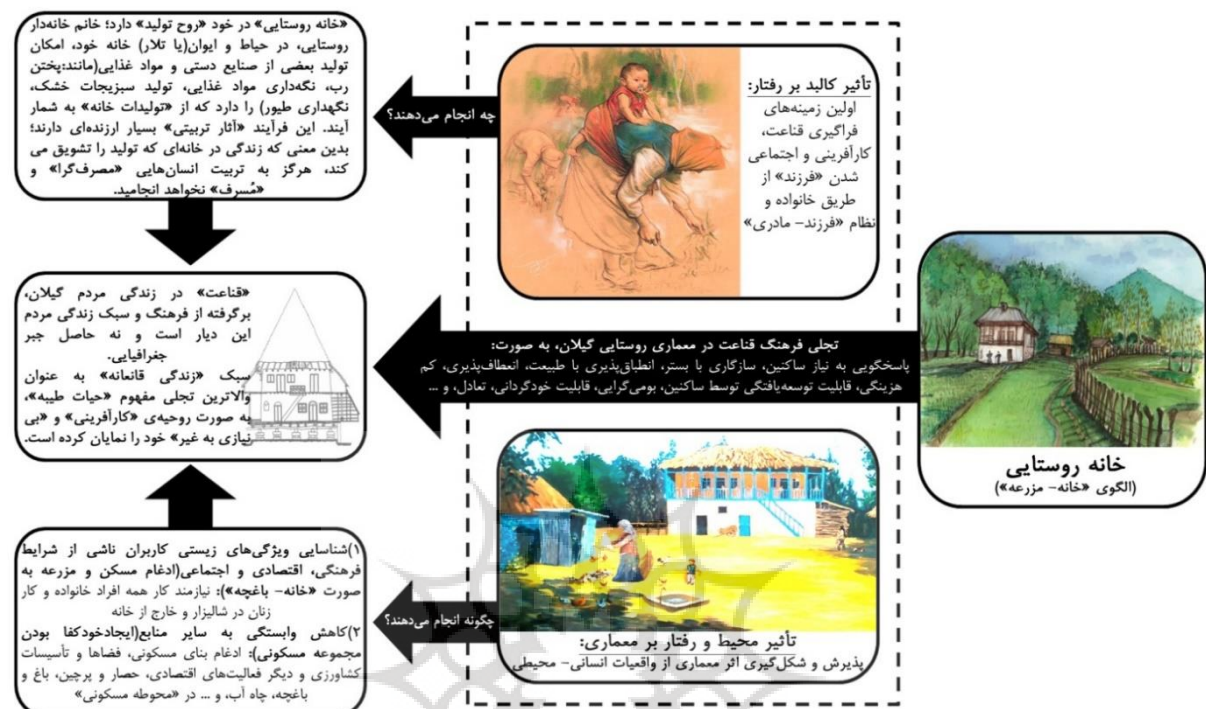
امکان انجام مطلوب ملزومات عملکردی پس از توسعه فرم ← طراحی براساس «چرخه طبیعت» در طراحی و ساخت خانه	قابلیت توسعه	
رعایت سلسله مراتب ورود (فضاهای عمومی، نیمه عمومی، نیمه خصوصی، خصوصی) ← تقدم «محصول» رفتاری» بر «محصولیت بصری»	پوشیدگی	عفت (پوشاندن خواسته‌ها)
تناسب فرم‌ها و کیفیات فضایی با اقلیم منطقه و عملکرد مدنظر ← «جداره‌های آزاد در هر سوی خانه» در راستای عمود بر بادهای مطلوب محلی	بومی‌گرایی	عزت و غنا (بی‌نیازی)
تناسب نوع طراحی و چیدمان عناصر خدماتی با نیاز کاربران ← استقرار خانه در میان زمین و تعبیه «چاه آب» در جلوی خانه	قابلیت خودگردانی	
تعادل در پاسخگویی اثر به نیازهای جسمی- روحی کاربران ← استقرار «کندوج» در جلوی خانه و کنار در ورودی به منظور «سهولت کاربرد»	میان‌بودن	اقتصاد (میان‌روی)
تجدیدپذیری ← توجه به «چرخه حیات مصالح (شامل: استخراج، فراوری، حمل و نقل، انبارداری، به‌کارگیری در ساختمان، بهره‌برداری، تخریب و برگشت به طبیعت)»	تعادل	اسراف (تناسب هزینه و فایده)
عدم قرارگیری فضاهای آلوده در حیاط اصلی تقدم ← تقدم «کارکرد فرهنگی» بر «کارکرد آب‌وهوایی»	انطباق‌پذیری	طمع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)
موازنه‌ی تلاش و صرف وقت و نیرو در رسیدن به خواسته‌ها ← (الف) پیوند «امکان زیستی (محوطه مسکونی)» با «کار و مشغله روزانه (عناصر خدماتی)» به جهت «برقراری توازن در پاسخگویی به نیازهای رفتاری مردم» (ب) توازن در کارکرد فضاها: خانه (کارکرد زیست روزانه- اقلیمی- فرهنگی)، کندوج (کارکرد اقتصادی- فرهنگی)، تنور یا دود اتاق (کارکرد زیست روزانه- اقتصادی)، پرچین (کارکرد اقلیمی- فرهنگی)، کلام (کارکرد اقلیمی- اقتصادی)، طویله (کارکرد اقتصادی).	توازن	حرص (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)

جدول ۸: مقایسه تطبیقی «شاخص‌های قناعت» در «سامانه سازه‌ای» در حوزه «اثر (محصول معماری)»

Table 8: Comparative Comparison of "Contentment Indicator" In "Structural System" In The Field of "Form(Product Architectural)"

مقایسه	ویژگی معمارانه	شاخص‌ها
تأمین ایمنی ← ماحصل تجربه نیاکان جامعه روستایی در محیط طبیعی	پاسخ‌گویی	رضایت (پذیرفتن داشته‌ها)
سازگاری فناوری ساخت بومی با محیط زیست ← «ساختن»، میوه «شعور اجتماعی» جامعه محلی است	سازگاری	
پاسخگویی به نیازهای ساکنین مختلف (اصل ساختمان برای همه)	انعطاف‌پذیری	
پرهیز از پیچیدگی در روابط سازه‌ای ← متناسب با دانش کاربران برای تعمیر و نگهداری	سادگی	اکتفا (بسته به کم)
کاربرد عناصر سازه‌ای به‌عنوان «پوشش نهایی» ← در خانه شکیلی، عناصر سازه‌ای مانند پی، سرنال (ستونها عمودی) و غیره علاوه بر نقش انتقال و توزیع بار ساختمان را بر عهده دارند، به‌نوعی در خوانایی و زیبایی‌شناسی سبک ساخت بنا نیز حائز اهمیت می‌باشند.	کم‌هزینه‌گرایی	
بهره بردن از اثر و اجزای مختلف معماری برای اهداف و مقاصد مختلف و متنوع ← استفاده از «دود اتاق» هم برای طبخ غذا و پخت نان و هم برای خشک کردن برنج در فصول برداشت	استفاده چندمنظوره	صرفه‌جویی (بهترین استفاده از داشته‌ها)
امکان افزایش عناصر یک اثر معماری نسبت به وضع اولیه ← امکان افزایش عناصر خدماتی وابسته در حیاط (صحرا)	قابلیت توسعه	
پوشاندن خواسته‌ها از غیر ← قرارگیری توالت در حیاط پشتی و دور از دید؛ تعبیه فضای ماکیان در حیاط شمالی و دور از دید	پوشیدگی	عفت (پوشاندن خواسته‌ها)
حضور دانش و مصالح بومی در تمامی سطوح ساخت اثر ← بهره‌گرفتن از مصالح بومی در ساختار پوششی بنا؛ مانند قُل (پوسته برنج) و گل، سوپ (سبوس برنج)، گل و غیره	بومی‌گرایی	عزت و غنا (بی‌نیازی)
امکان ساخت اثر با استفاده از تجربه زیسته کاربران ← به دلیل سهولت و در دسترس بودن مصالح ساختمان در محیط ساخت بنا	قابلیت خودگردانی	
توجه به «چرخه تأمین پایدار» در طراحی عناصر سازه‌ای	میان‌بودن	اقتصاد (میان‌روی)
تعادل در به‌کارگیری اجزای سازه‌ای عمودی و افقی در بنا به‌منظور حفظ پایداری بنا در مقابل بلایای طبیعی	تعادل	اسراف (تناسب هزینه و فایده)

طمع (تناسب خواسته‌ها با واقعیت)	انطباق‌پذیری	تطبیق‌پذیری مصالح با توجه به خصوصیات اقلیمی ← استفاده از «گالی (گیاهی خودرو و مردابی است)» در پوشش بام برای کنترل بارش و کج‌باران‌های منطقه
حرص (تناسب تلاش‌ها با انواع خواسته‌ها)	توازن	توازن در انتقال نیروی بنا به «پاکه» به‌وسیله‌ی «کرسی چوبی»



شکل ۵: تجلی فرهنگ قناعت در معماری روستایی گیلان

Fig. 5: Manifestation of The Culture of Contentment In The Rural Architectural of Gilan

گیلان نشان داد که در الگوی «خانه-مزرعه» است که فرزند از کودکی با روح کار و تولید و خودبستگی به‌وسیله‌ی همراهی با مادر خانواده آشنا می‌شود. آثار تربیتی که زندگی در این محیط ایجاب می‌کند هرگز به تربیت انسان‌های مصرف‌گرا نخواهد انجامید که این امر به عزتمندی، بی‌نیازی و سرافرازی در جامعه کمک می‌کند که آن را می‌توان ثمره‌ی زیستن در این فضای کالبدی دانست. از نظر فضایی نیز می‌توان «ایوان» یا «تالار» را به‌عنوان یک فضای چندعملکردی بیان کرد که در قالب فضای نیمه‌بسته به‌عنوان محیط و بستر شکل‌دهنده به فعالیت‌های تولیدی (انجام فعالیت‌هایی

فرهنگ در بستر سبک زندگی در قالب «مردم چه انجام می‌دهند؟» و در بستر معماری در قالب «چگونه انجام می‌دهند؟» به شکل واسطه‌ای به نام «ساختمان» تجلی پیدا می‌کند. توجه به خصوصیات موجود در «معماری قانعانه گیلان» به ما یادآور می‌شود در سرزمین گیلان، «خاستگاه هر چیز» در «طبیعت» است؛ طبیعت گیلان با دست‌گشاده همه‌ی موهبت‌های خداوند را تقدیم بشر کرده است، این موضوع بدین معنی است که رعایت فرهنگ قناعت در این استان، حاصل جبر جغرافیایی نیست بلکه نشأت گرفته از «سبک زندگی دینی» مردم این دیار است (شکل ۵). مطالعات تطبیقی خانه روستایی



طبیعت، به طبیعت بازمی‌گردد. از این دیدگاه می‌توان رابطه‌ی «قناعت»، «معماری» و «سبک زندگی روستایی» را رابطه‌ای بر مبنای «رازآموزی از طبیعت» دانست که در این الگوی فضایی-کالبدی، فرزندان، اولین زمینه‌های قناعت‌ورزی را از طریق خانواده و نظام «فرزند-مادری» می‌آموزند.

### ۵. تشکر و قدردانی

تمام خمیرمایه‌ی زندگی من از دو حوزه سرچشمه می‌گیرد: گیلان‌جان و خانواده. گیلان‌جان سرزمین مادری است که به بنده این اجازه را داده تا ریشه‌های هویت و اصالت‌ام در آنجا شکل بگیرد و ساختار فرهنگی و سبک زندگی‌ام را سازماندهی و شکل دهد. سرزمینی که سرشار از موهبت‌های الهی با مردمانی سپاسگزار و قدردان نعمت‌های الهی می‌باشد؛ و خانواده‌ای که تمام لحظات زندگی فرزندان‌شان را با فرهنگ و سبک زندگی غنی گیلان عجین کرد. انشاءالله این پژوهش بتواند بخش کوچکی از ادای دین و قدرانی بنده نسبت به سرزمین مادری و زحمات خانواده‌ام باشد.

نظیر حصیربافی، چادرشب بافی، قالی بافی، ساخت صنایع دستی، پخت نان، آماده سازی غذاهای نیمه‌آماده و غیره) و برقراری و حفظ ارتباطات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد که نما یانگر پیوند «مکان زیستی (محوطه مسکونی)» با «کار و مشغله روزانه (عناصر خدمتی)» به جهت «برقراری توازن در پاسخگویی به نیازهای رفتاری مردم» می‌باشد. در بخش مصالح مورد استفاده در بنا، همه چیز از بستر و طبیعت اطراف تأمین می‌شود و در پایان این چرخه، تمامی محصولات بکار رفته قابلیت تجزیه در طبیعت را دارا می‌باشند. از سوب (ساقه‌های برنج) که به‌عنوان پسماند کشت برنج، بخشی را در ساختمان‌سازی و پوشش دیوار زگمه‌ای استفاده می‌کنند و بخش دیگر را در خوراک دام و طیور؛ و یا آن بخش از کلوش (گالی) که در پوشش بام مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، پس از فرسودگی نیز یا در زیر خاک دفن می‌کنند و به‌عنوان کود استفاده نمایند و یا با سوزاندن آنها، برای از بین بردن سینوزیت دام بهره می‌برند. درواقع هیچ چیز دور ریخته نمی‌شود، بلکه با پایان عمر مصرفی، دارای کاربرد دیگری می‌شود و درنهایت به‌عنوان عضوی برآمده از

### پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر سید غلامرضا اسلامی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

### فهرست منابع

- قرآن کریم. ۱۳۹۹. ترجمه مهدی الهه قمشه‌ای. تهران: انتشارات هلیا.
- نهج البلاغه. ۱۳۸۵. ترجمه محمد دشتی. چاپ دوم. تهران: انتشارات پیام عدالت.
- آزاد ارمکی، تقی و ترکارانی، مجتبی و حق‌ندری، ایرج. ۱۳۹۲. تحلیل کیفی نگرش توسعه‌ای در ادبیات عامیانه: با تأکید بر ضرب‌المثل‌های لری. دوفصلنامه علمی جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی ۱(۱): ۹-۳۴.
- آهنی، فاطمه. ۱۳۸۸. جایگاه طبیعت در معماری روستایی گیلان. نشریه فن و هنر- سازمان نظام مهندسی ساختمان گیلان ۱۳(۶۱): ۱۷-۲۱.
- اباذری، یوسف و چاووشیان، حسن. ۱۳۸۱. از «طبقه اجتماعی» تا «سبک زندگی»: رویکردی نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی. نامه علوم اجتماعی ۲۰(۴۴۵): ۳-۲۷.
- ابراهیمی، زهرا. ۱۳۹۸. گفتار و کردار امام‌علی(ع) در مفاهیم عرفانی(تا سده‌ی پنجم). تهران: نشر هرمس.
- ابراهیمی، ابراهیم و ترابی، زینب. ۱۳۹۴. بررسی تطبیقی فرهنگ قناعت در قرآن کریم و بوستان و گلستان سعدی. فصلنامه علمی پژوهش‌های ادبی- قرآنی، ۳(۳): ۲۳-۴۷.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی. ۱۳۷۷. معانی الأخبار. ترجمه: عبدالعلی محمدی شاهرودی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ابن مسکویه، احمدبن محمد. ۱۳۹۴. تهذیب الأخلاق. ترجمه: صلاح‌الدین سلجوقی. تهران: انتشارات موسسه انتشارات عرفان.
- احمدی، زهرا. ۱۳۹۵. فرهنگ قناعت و صرفه‌جویی در معماری بومی ایران با تأکید بر سازه‌های آبی. همایش سراسری علمی- پژوهشی سبک زندگی، تایباد. <https://civilica.com/doc/582946>
- احمدیان، رضا و محمدی، حمید و موسوی، سیروس. ۱۳۸۷. ویژگی‌های شکلی بافت‌های روستایی ایران. نشریه آبادی (۵۹): ۱۶-۲۳.
- اسلامی، سید غلامرضا. ۱۳۹۲. درس‌گفتار مبانی نظری معماری: عینکمان را خودمان بسازیم. تهران: علم معمار رویال و فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
- ارغوانی طرقدری، مجتبی. ۱۳۹۹. طراحی مسکن اجتماعی با توجه به اصل قناعت و صرفه‌جویی معماری اسلامی (نمونه‌موردی: محله آبکوه مشهد). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دکتر هادی سروری. دانشکده هنر و معماری اسلامی. دانشگاه بین‌المللی امام‌رضاع(ع).
- اکرمی، غلامرضا. ۱۳۸۹. رازهای معماری روستایی. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۲۹(۱۳۱): ۲۷-۵۰.
- امیرشکاری، شقایق. ۱۳۹۶. ارائه الگویی برای کاهش هزینه ساخت مسکن بر مبنای اصل پرهیز از بیهودگی با بازنگری در طراحی معماری- طراحی مجتمع مسکونی ۱۰۰ واحدی در شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد. دکتر محمود گلابچی. موسسه آموزش عالی معماری و هنر پارس تهران.
- بروجردی، محمدحسین. ۱۳۸۶. منابع فقه شیعه: ترجمه جامع احادیث‌الشیعه- جلد ۲۲. تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- برومبرزه (برونبرزه)، کریستیان. ۱۳۷۰. مسکن و معماری در جامعه روستایی گیلان (مطالعات مردم‌شناسی). ترجمه: علاءالدین گوشه‌گیر، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، گروه علوم اجتماعی، استانداری گیلان.
- بهجت تبریزی (ملخص به شهریار)، محمدحسین. (۱۳۹۴)، دیوان اشعار، تهران: انتشارات نگاه.
- پرجمی، محب‌الله. ۱۳۷۱. شعر و ادب گیلان. نشریه رشد آموزش زبان و ادب فارسی (۲۹): ۵۸-۶۷.
- پور عیسی چافجیری، حمید و قاسمی روشن، ابراهیم. ۱۳۹۹. درآمدی بر سازه‌های روستائی و معیشت در نواحی ساحلی گیلان. فصلنامه مطالعات جغرافیایی نواحی ساحلی (۳): ۷۳-۹۸.
- جلیلیان، شهربانو و طاهباز، منصوره. ۱۳۸۱. صرفه‌جویی مصرف انرژی در مسکن روستایی. دومین همایش بهینه‌سازی مصرف سوخت در ساختمان. تهران. <https://civilica.com/doc/2442>
- حاجی ابراهیم زرگر، اکبر. ۱۳۸۵. درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. ۱۳۹۶. دیوان حافظ (حافظ قزوینی - غنی / با مجموعه تعلیقات و حواشی علامه محمد قزوینی). چاپ هشتم. تصحیح: محمد قزوینی و قاسم غنی. تهران: انتشارات اساطیر.
- حر عاملی، محمدبن حسن. ۱۲۵۸ ه.ق. وسایل‌الشیعه - جلد ۱۵. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حیدری، علی‌اکبر و قاسمیان، عیسی. ۱۳۹۸. تحلیل نمودپذیری مفهوم قناعت در الگوی خانه‌های سنتی ایرانی (نمونه‌موردی: خانه مرتاض در یزد). فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی ۷(۲۳): ۸۷-۱۰۶.
- خاکپور، مژگان. ۱۳۹۱. تأثیر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌گیری مسکن بومی روستایی گیلان (با تأکید بر نقش زنان). رساله دکتری. دکتر مجتبی انصاری، دکتر محمود طاووسی، دکتر علی شیخ‌مهدی. دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس.
- خاکپور، مژگان. ۱۳۸۶. دانشنامه‌ی فرهنگ و تمدن گیلان: معماری خانه‌های گیلان (شماره ۹). چاپ سوم. رشت: انتشارات فرهنگ ایلیا.
- خاکپور، مژگان. ۱۳۸۵. ساخت خانه شیکیلی در گیلان. فصلنامه علمی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی (۲۵): ۴۵-۵۴.
- خاکپور، مژگان و عسلی، مرصیه. ۱۳۹۸. کیفیت جنسیتی فضا در خانه‌های روستایی گیلان. دوفصلنامه علمی هنرهای حوزه کاسپین (۱): ۱۷۱-۱۸۶.
- خاکپور، مژگان و عشقی صنعتی، حسام. ۱۳۹۳. بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی و فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا (۱۴۸): ۳-۲۰.
- خسرونیبا، مرتضی. ۱۳۸۸. ارزیابی رویکردهای مختلف پیرامون شکل‌گیری مسکن روستایی. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۲۸(۱۲۷):

- دهقانی، محمد. ۱۳۹۷. ساخت مقیاس قناعت بر اساس منابع دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر محمدرضا حسن‌زاده توکلی، دکتر حمزه عبدی. دانشگاه قرآن و حدیث قم.
- دهون، آرمان. ۱۳۹۱. شناسایی ویژگی‌های معماری سنتی حوزه جلگه شرقی گیلان و طراحی یک نمونه موردی مسکونی در رودبنه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: دکتر جمال‌الدین مهدی‌نژاد، استاد مشاور: دکتر اسماعیل ضرغامی و دکتر مژگان خاکپور، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- دیلمی، حسن بن محمد. ۱۳۴۹. إرشاد القلوب. ترجمه: هدایت اله مسترحمی. تهران: انتشارات مصطفوی.
- رازجو، مهرداد و متین، مهرداد و امامقلی، عقیل. ۱۳۹۸. تحلیل شکل‌گیری تعاملات اجتماعی در مسکن روستایی اقلیم معتدل و مرطوب با استفاده از روش چیدمان فضا در مسکن جلگه‌ای گیلان. فصلنامه علمی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی ۱۱(۲): ۳۷۱-۳۹۶.
- رضایی، پرویز. ۱۳۸۵. بحران آب در استان گیلان و راهکارهای مقابله با آن. فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی ۱(۳): ۶۷-۷۵.
- رضائی آشتیانی، سیما و مهدی‌نژاد، جمال‌الدین. ۱۳۹۹. تجلی قناعت در انرژی دوستی معماری سنتی ایران. سومین کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و مدیریت توسعه شهری در ایران. تهران. <https://civilica.com/doc/1119291>
- روحی طواف، محمدمهدی. ۱۳۹۴. طراحی الگوی خانه براساس روش‌های تربیتی دینی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر سمیه امیدواری. دانشکده علوم مهندسی. دانشگاه علم و هنر یزد.
- روشن، بلقیس و یوسفی‌راد، فاطمه و شعبانیان، فاطمه. ۱۳۹۲. مبنای طرح‌واره‌ای استعاره‌های موجود در ضرب‌المثل‌های شرق گیلان. دوفصلنامه علمی زبان‌شناخت ۴(۸): ۷۵-۹۴.
- زمانی، پگاه. ۱۳۷۸. مقدمه‌ای بر حضور طبیعت در معماری. در کتاب: مجموعه مقالات دومین کنگره معماری و شهرسازی - جلد نخست، کرمان: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.
- سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۹۰. پدیدارشناسی مسکن روستایی. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۳۰(۱۳۳): ۳-۱۴.
- سرتیپی‌پور، محسن. ۱۳۸۸. آسیب‌شناسی معماری روستایی - به سوی سکونتگاه مطلوب. تهران: انتشارات شهیدی.
- سریانی، نسرین. ۱۳۸۱. قناعت و معماری (نظری بر آثار و اصول قناعت در معماری خانه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دکتر محمود رازجویان. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه یزد.
- سعدی، مصلح‌ابن عبدالله. (۱۳۹۱)، کلیات سعدی، تصحیح: محمدعلی فروغی، تهران: انتشارات بانک ملی.
- سعدی، شیخ مصلح‌الدین. (۱۳۸۴)، بوستان. چاپ هشتم. تصحیح: غلامحسین یوسفی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- سعدوندی، مهدی. ۱۳۸۸. معماری قانعانه. رساله دکتری. دکتر هادی ندیمی، دکتر محمود رازجویان. دانشکده معماری و شهرسازی. دانشگاه شهید بهشتی.
- شفیعیان، محمدجواد. ۱۳۹۴. جایگاه قناعت در سبک زندگی اسلامی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: دکتر رضا شکرانی، دانشگاه قرآن و حدیث.
- شکوهی راد، سید همایون. ۱۳۸۴. معماری بومی گیلان، نمونه‌ای از معماری ارگانیک. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۱۱(۱۱۲): ۱۸-۲۷.
- صادق‌پی، ناهید. ۱۳۸۸. دیدگاه مسرفانه در طراحی خانه. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا ۲۸(۱۲۶): ۳۶-۴۷.
- طالقانی، محمود. ۱۳۹۰. خانه مرادی، میراث معماری روستایی گیلان(۶): جلگه مرکز. تهران: مؤسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری فرهنگستان هنر(متن).
- طاهباز، منصوره و جلیلیان، شهربانو. ۱۳۹۰. شاخصه‌های همسازی با اقلیم در مسکن روستایی استان گیلان. فصلنامه علمی مسکن و محیط روستا (۱۳۵): ۲۳-۴۲.
- طباطبایی، سید محمدحسین. ۱۳۸۴. تفسیر المیزان - جلد ۱۴. ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن. ۱۳۷۸. اخلاق ناصری. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اسلامی.

کاشانی، عزالدین محمود بن علی. ۱۳۹۳. مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه. چاپ چهاردهم. ویرا ستار: جلال‌الدین همائی. تهران: شرکت نشر هما.

عسکری خانقاه، اصغر و ساعی ارسی، ایرج و اسماعیل‌پور، حسین. ۱۳۹۹. جایگاه فرهنگ در توسعه اقتصادی منطقه گیلان با تأکید عوامل اجتماعی. فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه توسعه اجتماعی ۱۱(۴۲): ۱۲۷-۱۵۵.

غزالی، محمدبن محمد. ۱۳۹۳. احیاء علوم‌الدین: ربع مهلکات (جلد ۳). چاپ هشتم. ترجمه: مویلدین محمد خوارزمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

فاضلی، نعمت‌الله. ۱۳۸۳. سبک زندگی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فرهادی، مرتضی. ۱۳۸۸. انسان‌شناسی یاریگری. تهران: نشر ثالث.

قبادیان، وحید. ۱۳۸۵. بررسی اقلیمی ابنیه سنتی ایران. چاپ چهارم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قمی، شیخ عباس. ۱۳۹۸. المقامات العلیه فی موجبات السعاده العبدیه. تحقیق و تنظیم: مسعود انصاری. قم: انتشارات کتابستان معرفت.

کلینی، محمدبن یعقوب. ۱۳۸۳. الکافی - جلد ۲. قم: دارالحدیث.

لنگ، جان. ۱۳۸۱. آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. چاپ ششم. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مجلسی، محمدباقر. ۱۳۸۶. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول. ترجمه: سیدهاشم رسولی محلاتی. تهران: دارالکتب اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه - جلد ۱۱. چاپ چهاردهم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

ملک اصلانیان، امانوئل. ۱۳۸۷. «رنگ، حالت و فضا» در موسیقی و معماری. در کتاب: معماری و موسیقی، چاپ سوم، تهران: نشر فضا.

موزن، سجاد. ۱۳۹۹. قناعت؛ قدر مداخله در بناهای تاریخی معماری اسلامی ایران. کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری، توسعه و بازآفرینی زیرساخت‌های شهری در ایران. تهران. <https://civilica.com/doc/1113593>.

موسوی بازرگان، سیدجلال. ۱۳۸۶. مؤلفه‌های کارآفرینی. تهران: سازمان انتشارات جهاددانشگاهی.

مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد. ۱۳۸۸. مثنوی معنوی: براساس نسخه‌ی رینولدالین نیکلسون. چاپ چهارم. تهران: انتشارات کاروان.

مهوش، محمد. ۱۳۹۷. شاخص‌سازی مفاهیم اخلاقی در معماری؛ مطالعه‌ی موردی: قناعت. رساله دکتری. دکتر مهدی سعدوندی، دکتر مهدی حجت. دانشگاه هنر اصفهان.

مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی. ۱۳۹۸. معرف‌های قناعت در معماری (در تضاد معنایی قناعت با طمع و حرص). دوفصلنامه علمی اندیشه معماری ۳(۵): ۱۷-۳۲.

مهوش، محمد و سعدوندی، مهدی. ۱۳۹۷. شاخص‌سازی قناعت در معماری. فصلنامه علمی پژوهش‌های معماری اسلامی ۶(۲۰): ۱۳۷-۱۵۴.

نامی، غلامحسین. ۱۳۸۷. چگونگی‌های روند آفرینش یک اثر هنری، در کتاب: معماری و موسیقی، چاپ سوم، تهران: نشر فضا.

نراقی، مهدی. ۱۳۹۴. جامع السعادات. ترجمه: کریم فیضی، قم: انتشارات قائم آل علی.

نراقی، احمد بن محمد مهدی. ۱۳۸۷. معراج السعاده. چاپ ششم. قم: انتشارات هجرت.

نصر، سید حسین. ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی، ترجمه: رحیم قاسمیان، تهران: انتشارات حکمت.

نظری مقدم، جواد. ۱۴۰۱. بازتاب فرهنگ کار ادبیات عامه گیلان؛ با نگاهی بر ضرب‌المثل‌های گیلکی. مجله علمی مطالعات ایرانی ۲۱(۴۱): ۷۵۶-۷۱۷.

نوروزی طلب، علیرضا. ۱۳۷۸. راز و رمز بینش دینی هنر. فصلنامه هنر (۴۰): ۱۱۷-۱۲۷.

هاشمی، عزیزه. ۱۳۸۹. میراث روستایی گیلان. دوفصلنامه جستارهای شهرسازی (۳۱): ۱۱۷-۱۱۸.

## منابع انگلیسی

The Holy Quran. 2020. Translated by: Mehdi Elahi Ghomsheie. Tehran: Helia Publications [In Persian].

Nahj al-Balagha. 2006. Translated by: Mohammad Dashti. Tehran: Payam-e-Edalat Publications [In Persian].

- Abazari, Yousef., & Chavoshian, Hassan. 2002. From "Social Class" To "Lifestyle"; A New Approach In The Sociological Analysis of Social Identity. *Journal of Social Sciences Letter* 20(445): 27-3 [In Persian].
- Ahani, Fatemeh. 2009. The Place of Nature In The Rural Architecture of Guilan. *Journal of Art & Profession* 13(61): 17-21 [In Persian].
- Ahmadi, Zahra. 2015. The Culture of Contentment and Frugality In Iranian Vernacular Architecture With A Review of Water Structures. National Scientific-Research Conference on Lifestyle, Taibad, <https://civilica.com/doc/582946>. [In Persian].
- Ahmadian, Reza & Mohammadi, Hamid and Mousavi, Siros. 2008. The Morphological Characteristics of The Rural Fabrics of Iran. *Journal of Abadi* (59): 16-23 [In Persian].
- Akrami, Gholam Reza. 2010. The Mysteries of Rural Architecture. *Journal of Housing and Rural Environment (JHRE)* 29(131):25-48 URL: <http://jhre.ir/article-1-31-fa.html> [In Persian].
- Al-Hurr al-Amili, Mohammad-ibn-Hasan. 1842. *Wasa'il al-Shia*-Volume 15. Beirut: Dar al-Hya al-Trath al-Arabi.
- Amir Shekari, Shaghayegh. 2017. Presenting A Model to Reduce The Cost of Housing Construction Based On The Principle of Avoiding Futility By Reviewing The Architectural Design - Designing a 100-unit Residential Complex In Tehran. Master's Thesis. Dr. Mahmoud Golabchi. Pars University of Art & Architecture, Tehran [In Persian].
- Arghawani Toroghdari, Mojtaba. 2020. Designing Social Housing According To The Principle of Contentment and Frugality In Islamic Architecture (Case Study: Abkoh Neighborhood of Mashhad). Master's Thesis. Dr. Hadi Sarvari. Faculty of Islamic Art and Architecture. Imam Reza International University [In Persian].
- Askari Khaneghah, Asqar., & Saie Arasi, Iraj., and Esmaeilpour, hossein. 2020. The Place of Culture in the Economic Development of Guilan Region with Emphasis on Social Factors. *Journal of Social Development and Welfare Planning* 12(42): 127-155. <https://doi.org/10.22054/qjds.2020.11924> [In Persian].
- Azad Armaki, Taghi., & Tarkarani, Mojtaba., and Haghmadri, Iraj. 2014. A Critical Study of the Qualitative and Developmental Attitudes in Lori Folklore Proverbs. *Biquaetery Journal of Sociology of Social Institutions* 1(1): 9- 34. [https://ssi.journals.umz.ac.ir/article\\_724.html?lang=en](https://ssi.journals.umz.ac.ir/article_724.html?lang=en) [In Persian].
- Bourdieu, P. 1935. *Distinction: A Social Critique of the Judgements of Taste*. London: R. K. P.
- Boroujerdi, Mohammad Hossein. 2007. *Sources of Shia Jurisprudence: Comprehensive Translation of Jame Al-Ahahdith Shia*-Volume 22. Tehran: Farhang Sabz Publications [In Persian].
- Bronberger, Christiane. (1991). *Habitat, Architecture et Societe Rurale Dans La Plaine du Gilan*. In: "Etablisements Humains et Environnement Socio Cultural", The UNESCO Courier.
- Chapin, Francis Stuart. 1974. *Human Activity Patterns In The City: Things People Do In Time and In Space*. A Wiley Interscience Publications, New York: John Wiley & Sons.
- Chapin, S. 1935. *Contemporary American Institutions*. New York: Harper and Bro.
- Dahon, Arman. 2012. Identifying The Traditional Architectural Features of Guilan's Eastern Plains and Designing A Residential Example In Roudbaneh. Master's Thesis. Supervisor: Dr. Jamaluddin Mahdinjad, Consultant: Dr. Ismail Zarghami and Dr. Mozghan Khakpour, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Rajaei University of Education.
- Daylami, Hassan bin-Mohammad. 1970. *Ershad al-Gholul*. Translation: Hedayat Allah Mostarhami. Tehran: Mostafavi Publications [In Persian].
- Dehghani, Mohammad. 2018. Building A Contentment Scale Based On Religious Sources. Master's Thesis. Dr. Mohammad Reza Hassan Zadeh Tavakoli, Dr. Hamzeh Abdi. The University of Quran and Hadith, Qom.
- Ebrahimi, Zahra. 2019. *Speeches and Actions of Imam Ali In Mystical Concepts (Up To The Fifth Century)*. Tehran: Hermes Publications [In Persian].
- Ebrahimi, Ebrahim., & Torabi, Zeinab. 2016. A Comparative Study of the Culture of Contentment in the Holy Qur'an and in Saadi's Bustan and Gulistan. *The Quarterly Journal of Literary-Quranic Research* 3(3): 23- 47. [In Persian].
- Farhadi, Morteza. 2018. *Anthropology of Help*. Tehran: Saless Publications [In Persian].
- Fazeli, Nemat Allah. 2004. *Lifestyle*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance [In Persian].
- Featherstone, M. 1991. *Consumer Culture and Postmodernism*. London: Sage.
- Ghazali, Mohammad bin-Mohammad. 2014. *Ehya'e Olum-e-Din: Robe Mohlakat* (Volume 3). Eighth Edition. Translation: Muayyeddin Mohammad Kharazmi. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Gibbs, Jr., & Raymond, W., & Johnson, M. D., and Colston, H.L. 1996. How To Study Proverb Understanding. *Metaphor & Symbol* 11(3): 134.
- Ghobadian, Vahid. 2006. *Climatic Survey of Traditional buildings In Iran*. 4nd Edition. Tehran: Tehran University Press [In Persian].
- Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad. 2017. *Diwan Hafez (Hafez Qazvini - Ghani/ with a collection of notes and margins by Allameh Mohammad Qazvini)*. Eighth edition. Editing: Mohammad Qazvini and Qasim Ghani. Tehran: Asatir Publishing [In Persian].
- Haji Ebrahim Zargar, Akbar. 2006. *An Introduction To The Knowledge of Rural Architecture In Iran*. Tehran: Shahid Beheshti University Press [In Persian].
- Hashemi, M. 2010. The Rural Heritage of Guilan. *Journal of Urbanization Essays* (31): 117-118 [In Persian].
- Heydari, Ali Akbar., & Ghasemian, Isa. 2019. Contentment and Architecture An Investigation of the Manifestation of the Concept of Contentment in the Pattern of Iranian Traditional Houses (Case Study: Mortaz House). *Journal of Researches in Islamic Architecture (Jria)* 7(2):87-106. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1175-fa.html> [In Persian].
- Ibn Babouyeh (Sheikh Sadouq), Muhammad ibn Ali. 1998. *Maani al-Akhbar*. Translation: Abd al-Ali Mohammadi Shahrudi. Tehran: Darul Kitab al-Islamiya [In Persian].
- Ibn Maskuyeh, Ahmad bin-Muhammad. 2015. *Tahzeeb al-Akhlaq*. Translation: Salahuddin Saljuqi. Tehran: Erfan Publications Institute [In Persian].
- Islami, Seyyed Gholam Reza. 2014. *Lessons On Architectural Theory: Let Us Make Our Own Glasses*. Tehran: Elm-e-Memar

- Publications [In Persian].
- Jalilian, Sharbanoo., & Tahbaz, Mansoureh. 2002. Saving Energy Consumption In Rural Housing. The Second Conference On Optimizing Fuel consumption In Buildings. Tehran. <https://civilica.com/doc/2442> [In Persian].
- Kashani, Ezzeddin Mahmoud bin Ali. 2014. Mesbah al-Hedayeh Va Meftah al-Kefayeh. 14th Edition. Editor: Jalaluddin Homaie. Tehran: Homa Publishing Company [In Persian].
- Katz, Albert N. 1999. Proverb In Mind: The Cognitive Science of Proverbial Wit and Wisdom(Book Review). *Metaphor & Symbol* 14(1): 71- 75.
- Koleini, Mohammad-bin-Yaqub. 2004. Al-Kafi - Volume 2. Qom: Dar al-Hadith.
- Khakpour, Mozghan., & Asali, Marziyeh. 2019. Gender Quality of Space in Rural Houses of Guilan. *Quarterly Journal of The Arts of Caspian Area* 1(1): 171-186. doi: 10.22080/ARTECH.2019.2248 [In Persian].
- Khakpour, Mozghan., & Eshghi Sanati, Hesam. 2015. An Investigation of the Effect of Social and Cultural Factors on the skeletal Texture of Guilan Province's Villages. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 33(148):3-20. URL: <http://jhre.ir/article-1-607-fa.html> [In Persian].
- Khakpour, Mozghan. 2012. The Influence of Social and Cultural Factors on the Formation of Vernacular Rural Housing In Guilan(with Emphasis on The Role of Women). Ph.D. Thesis. Dr. Mojtaba Ansari, Dr. Mahmoud Tavousi, Dr. Ali Sheikh Mahdi. Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University.
- Khakpour, Mozghan. 2007. The Architecture of Guilan's Houses. Rasht: Farhang-e-Ilia Publicatons [In Persian].
- Khakpour, Mozghan. 2006. Shekili Guilan, Wooden Construction, Fiber Coated Roof. *Journal of Honar-ha-ye-Ziba-Memari-va-Shahrsazi(JFAUP)* (25): 45-54 [In Persian].
- Khosrow Nia, Morteza. 2009. Evaluation of Different Perspectives on the Formation of Rural Housing. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 28(127):32-43. URL: <http://jhre.ir/article-1-59-fa.html> [In Persian].
- Lang, Jon T. 2002. Creating Architectural Theory: The Role of The Behavioral Sciences In Environmental Design. 6nd Edition, Translated by: Alireza Eini Far. Tehran: Tehran University Press [In Persian].
- Lash, S. & Urry, J. 1987. The End of Organised Capitalism. Cambridge: Polity Press.
- Majlesi, Mohammad Bagher. ۲۰۰۷. Merat al-Oqool fi Sharh Akhbar Al-e-Rasoul. Translation: Seyyed Hashem Rasouli Mahallati. Tehran: Dar al-Kotob Islamia [In Persian].
- Mahvash, Mohammad., & Saedvandi, Mehdi. 2019. Indicators of contentment in Architecture In Semantic Conflict of Contentment with Covet and Greed. *Journal of Architectural Thought* 3(5): 17- 32. doi: 10.30479/AT.2019.10301.1142 [In Persian].
- Mahvash, Mohammad., & Saedvandi, Mehdi. 2018. Indexing of Contentment in Architecture. *Journal of Researches In Islamic Architecture(Jria)* 6(3):137-154. URL: <http://jria.iust.ac.ir/article-1-1019-fa.html> [In Persian].
- Mahvash, Mohammad. 2017. Indexing of Ethical Concepts In Architecture,Case Study: Contentment. Ph.D. Thesis. Dr. Mehdi Saedvandi & Dr. Mehdi Hojjat. Art University of Isfahan [In Persian].
- Makarem Shirazi, Naser. 1995. Sample Interpretation-Volume 11. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya [In Persian].
- Malek Aslanian, E. 2008. "Color, State and Space" In Music and Architecture. In Book: Architecture and Music. Falamaki et al. 3nd Edition. Tehran: FAZA Scientific and Cultural Institute [In Persian].
- Moazzen, Sajjad. 2019. Contentment; The Importance of Intervention In The Historic Buildings of Islamic Architecture In Iran. International Conference on Civil Engineering, Architecture, Development and Regeneration of Urban Infrastructures In Iran. Tehran. <https://civilica.com/doc/1113593> [In Persian].
- Mousavi Bazargan, Seyyed Jalal. 2007. Components of Entrepreneurship. Tehran: Academic Center for Education, Culture and Research [In Persian].
- Najafi, Neda., & Alalhesabi, Mehran. 2022. Review of The Concept of Context In The Modernization of Rural Architecture(Case Study: Baliran village). *Journal of Economic geography research* 3(7): 20-41. doi: 20.1001.1.27173747.1401.3.7.2.7 [In Persian].
- Nami, Gholam Hossein. 2008. How The Process of Creating an Art Work. In Book: Architecture and Music. Falamaki et al. 3nd Edition. Tehran: FAZA Scientific and Cultural Institute [In Persian].
- Naraghi, Mehdi. 2015. Jame al-Saadat. Translated By: Karim Faizi. Qom: Ghaem Publications [In Persian].
- Nasr, Seyyed Hossein. 2010. Islamic Art Spirituality. Translated by: Rahim Ghasemian. Tehran: Hekmat Publications [In Persian].
- Nazari Moghaddam, Javad. 2022. Reflection of Work Culture In Gilan Popular Literature; Looking at Gilaki Proverbs. *Journal of Iranian Studies* 21(41): 717-756. doi: 10.22103/JIS.2022.18115.2212 [In Persian].
- Nowruz Talab, Alireza. 1999. The Secret of The Religious Vision of Art. *Quarterly Journal of Art* (40): 117-127 [In Persian].
- Parchami, Moheb Allah. 1992. Poetry and literature of Gilan. *Journal of Persian Language and Literature Development* (29): 58-67 [In Persian].
- Pour Esa Chafjiry, Hamid., & Ghasemi Roshan, Ebrahim. 2021. Livelihood of Rural Structures. *The Geographical Studies of Coastal Areas Journal(GSCAJ)* 1(3): 73-98. doi: 10.22124/GSCAJ.2021.16955.1051 [In Persian].
- Qomi, Sheikh Abbas. 2019. Al-Maqamaat al-Alieh Fi Mojobate al-Saadah al-Abdiya. Research and Editing: Masoud Ansari. Qom: Ketabestan-e-Mareft Publications [In Persian].
- Razjoo, Mehrdad., & Matin, Mehrdad., and Emamgholi, Aghil. 2019. Analyzing the formation of social interactions in the rural housing of moderate and humid climate by using the method of space arrangement in the Guilan plain housing. *Quarterly Journal of Human Geography* 11(2): 371- 396 [In Persian].
- Rezaei, Parviz. 2007. The study of water risis in Guilan province and the solutions. *Journal of Studies of Human Settlements Planning* 1(3): 67- 75 [In Persian].
- Rezaei Ashtiani, Sima., & Mehdi Nejad, Jamaluddin. 2020. Manifestation of Contentment In The Friendly Energy of Traditional Iranian Architecture. The Third International Conference On Civil Engineering, Architecture And Urban Development Management In Iran. Tehran. <https://civilica.com/doc/1119291> [In Persian].

- Roshan, Belghis., & Yousefi Rad, Fatemeh., and Shabaniyan, Fatemeh. 2014. The Schematic Basis of the Metaphors in the Proverbs of Eastern Guilan. *Journal of Zaban Shenakht(Language Study)* 4(8): 75- 94 [In Persian].
- Rouhi Tavvaf, Mohammad Mehdi. 2015. Designing A House Model Based On Religious Rducation Methods. Master's Thesis. Dr. Somayyeh Omidvari. Faculty of Engineering Sciences. University of Science and Arts of Yazd [In Persian].
- Rumi, Jalal' uddin. 2009. The Mathnawi of Jalal' uddin Rumi. Translation: Reynold Alleyne Nicholson, Tehran: Karvan Publications [In Persian].
- Saadi, Sheikh Moslehuddin. 2012. *Kolliat-e-Saadi*, Edited by: Mohammad Ali Foroughi, Tehran: National Bank Publications [In Persian].
- Saadi, Sheikh Moslehuddin. 2005. *Bostan*. Eighth Edition. Correction: Gholamhossein Yousefi. Tehran: Kharazmi Publications [In Persian].
- Sadeghi Pey, Nahid. 2009. Squandering Viewpoints in Housing Design. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 28(126):35-47. URL: <http://jhre.ir/article-1-67-fa.html> [In Persian].
- Saedvandi, Mehdi. 2009. Convincing Architecture. Ph.D. Thesis. Dr. Hadi Nadimi & Dr. Mahmoud Razjoyan. Faculty of Architecture and Urban Planning. Shahid Beheshti University [In Persian].
- Sartipi Pour, Mohsen. 2011. Rural Housing Phenomenology. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 30(133):3-14 URL: <http://jhre.ir/article-1-13-en.html> [In Persian].
- Sartipi Pour, Mohsen. 2009. Pathology of Rural Architecture-Towards The Settlement of The Subject. Tehran: Shahidi Publications [In Persian].
- Soryani, Nasrin. 2002. Contentment and Architecture(A Comment On The Works and Principles of Contentment In House Architecture). Master's Thesis. Dr. Mahmoud Razjoyan. Faculty of Architecture and Urban Planning. Yazd University [In Persian].
- Shafiean, Mohammad Javad. 2016. The Position of Contentment In Islamic Life Style, Supervisor: Dr. Reza Shokrani, Ulum-e Hadith Faculty.
- Behjat Tabrizi(Summarized by Shahriyar), Mohammad Hossein. 2015. *Divan of Poems*, Tehran: Negah Publications [In Persian].
- Shokohi Rad, Seyyed Homayun. 2005. The Vernacular Architecture of Guilan, An Example of Organic Architecture. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* (112):18-27 [In Persian].
- Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein. 2005. *Tafsir Al-Mizan - Volume 14*. Translation: Seyyed Mohammad Bagher Mousavi Hamdani. Qom: Islamic Publications of the Seminary Teachers' Society [In Persian].
- Tahbaz, Mansoureh. & Jalilian, Sharbanoo. 2011. Compatibility Indicators with Climate in Rural Housing of Guilan Province. *Journal of Housing and Rural Environment(JHRE)* 30(135):23-42. URL: <http://jhre.ir/article-1-202-fa.html> [In Persian].
- Taleghani, Mahmoud. 2011. *Moradi House, Guilan Rural Heritage(6)*; Central Jalga. Tehran: Matn Publications [In Persian].
- Tusi, Mohammad. 1999. *Naseri Ethics*. Tehran: Islamic Culture and Publishing Office [In Persian].
- Zamani, Pegah. 1999. An Introduction To The Presence of Nature In Architecture. In: "Proceedings of the 2nd Architecture and Urban Planning Congress"-Volume One, Kerman: Cultural Heritage Organization Publications [In Persian].